

فشرده مجموعه اسناد ملی و بین
المللی در زمینه تعلیم و تربیه در

افغانستان، 2010



© یونسکو ۲۰۱۰

چاپ

یونسکو کابل

دفتر یونسکو، خانه شماره ۱۱۴۳، چهارراهی مرکزی شیر پور
کابل، افغانستان

تهیه شده تحت نظر

تریه مگنوسون واتر دال و الکساندر توماس هاس چاپلند

اشخاص منبع

پروین عظیمی و سید عظیم ساجد

صفحه آرابی و دیزاین

دفتر بیجا شده گان داخلی ناروی

تصاویر © یونسکو کابل/ تریه واتر دا

ترجمه، سید وحید دادگر (بنیاد خرد)، ۰۰۹۳۷۷۳۹۷۵۹۴۴، dadgarvahid@gmail.com

چاپ در کابل، افغانستان (مطبه ستار کویست کابل افغانستان)

طراحی استفاده شده و مواد معرفی شده در این نشریه بیانگر هیچگونه نظریه و یا هر آنچه که مربوط به یونسکو در مورد وضعیت حقوقی کشور ها، شهرها و منطقه و یا از مقامات و مرزها میشود نمی باشد.

فشرده مجموعه اسناد ملی و بین المللی در زمینه تعلیم و تربیه در افغانستان، ۲۰۱۰

تعهدات ملی و بین المللی در مورد حق برابر تمام اطفال در زمینه برخورداری
از تعلیمات با کیفیت در محیط های فراگیر و دوستانه برای اطفال

سخن آغازین

در کتاب حاضر تمام کنوانسیون ها، اعلامیه ها و قوانینی گردآوری شده است که از حق تمام اطفال در افغانستان حمایت می کنند. هدف از تهیه این کتاب، تضمین این نکته است که تمام اطفال قادر به احقاق حق خود مبنی بر دسترسی به آموزش با کیفیت در مکاتب فراگیر و دوستانه برای اطفال باشند. تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال، یک رویکرد انکشافی با هدف رسیدگی به نیازهای آموزشی فردی تمام اطفال و متمرکز بر اطفالی است که در معرض کم توجهی چه در درون و چه خارج از نظام تعلیم و تربیه قرار دارند.

آنچه در محور تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال نهفته است، عبارت از حق تعلیم و تربیه می باشد. حق تعلیم و تربیه به مثابه دریچه ای برای تحقق سایر حقوق بشری می باشد.

کتاب حاضر توسط وزارت معارف و یونسکو و با همکاری نزدیک دیگر سازمان های عضو گروه هماهنگی کاری تعلیمات فراگیر ترتیب داده شده است و وسیله ای آگاهی بخش برای دست اندرکاران عمده دولتی و غیردولتی در افغانستان در زمینه حق تمام اطفال در بهره مندی از تعلیمات، توجه و حفاظت است.

علیرغم مساعی بیشمار در سکتور معارف طی چند سال گذشته، هنوز هم میلیون ها طفل در سرتاسر افغانستان به مکتب نمی روند. آنها از معارف رسمی محروم می باشند و دلیل عمده آن این است که معلمان، مدیران و پلان گذاران آموزشی این مسئله را درک نکرده اند. بنا به قانون، آنها مکلف به تأمین تعلیمات با کیفیت برای تمام اطفال، بدون در نظر داشت تبعیض در زمینه جنسیت، توانایی ها، معلولیت ها، سوابق و شرایط، می باشند. این نکته همچنین در قانون اساسی کشور افغانستان گنجانیده شده است.

از این لحاظ، کتاب حاضر یک ابتکار بموقع تلقی می گردد. کنوانسیون ها، اعلامیه ها و قوانین گنجانده شده در این کتاب، برای دولت ها، جامعه مدنی و حتی خانواده ها قابل استفاده بوده و متضمن این نکته خواهند بود که مکاتب مجاور خانه های اطفال پذیرای آن ها می باشند. هدف تعلیمات برای همه، تنها زمانی قابل حصول است که تمام اشخاص ذیدخل در زمینه آموزش، به مسئولیت قانونی و اخلاقی شان در قبال تمام اطفال محروم از مکتب پی ببرند.

بنده صادقانه امیدوارم هستم که این کتاب حاضر در این پروسه مفید واقع گردد.



فاروق وردک

وزیر معارف

جمهوری اسلامی افغانستان

پیشگفتار

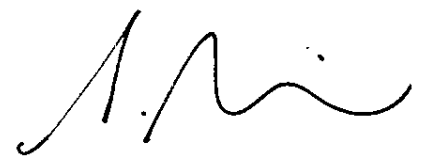
"کتاب حاضر در مورد تعهدات ملی و بین المللی مربوط به حق برابر تمام اطفال برای بهره مندی از تعلیمات با کیفیت در محیط های فراگیر و دوستانه برای اطفال" به منظور تضمین این نکته انکشاف داده شده است که تمام اطفال در آینده و در محل زندگی خود، به آموزش در محیط های آموزشی فراگیر و دوستانه برای اطفال دسترسی داشته باشند. کتاب حاضر فهرستی از تمام تعهدات ملی و بین المللی دولت افغانستان و همکاران بین المللی ارائه می کند که متضمن حق آموزش تمام اطفال، بدون در نظر داشت جنسیت، توانایی ها، معلولیت ها، سوابق، شرایط، و وضعیت صحتی آنها می باشد. اما علیرغم مساعی قابل توجه ملی و بین المللی در چند سال گذشته، هنوز هم میلیون ها طفل، از معارف، چه در درون و چه بیرون از نظام معارف، محروم مانده اند.

تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال، یک رویکرد آموزشی و انکشافی برای رسیدگی به نیازهای آموزشی تمام اطفال و جوانان، با تمرکز خاص بر کسانی می باشد که چه در درون و چه بیرون از نظام معارف در معرض محرومیت قرار دارند. نکته محوری در مفهوم تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال عبارت از تحقق حق آموزش، چنانکه در اهداف آموزش برای همه، قانون معارف و تمام اسنادی در این کتاب آمده اند، می باشد. بنده معتقد هستم که بدون فراگیر کردن و دوستانه کردن تمام مکاتب، هیچ گاه اهداف آموزش برای همه حاصل نخواهد شد و قادر نخواهیم بود تا جامعه ای ایجاد کنیم که در آن به تمام اطفال احترام و ارج نهاده شود.

کتاب حاضر یک وسیله آگاهی بخش برای دست اندرکاران دولتی و غیردولتی در زمینه مکلفیت های قانونی و اخلاقی شان مبنی بر تأمین تعلیمات با کیفیت برای تمام دختران و پسران در افغانستان می باشد. این سند ضمن همکاری نزدیک میان وزارت معارف، یونسکو و تمام اعضای گروپ کاری انسجام تعلیمات فراگیر در افغانستان ترتیب داده شده است.

مایلم هستم از کمک های سخاوتمندانه اداره انکشاف بین المللی سوئدن در زمینه تولید و چاپ این کتاب تشکر نمایم. جا دارد از مقامات وزارت معارف و همچنین همکاران خویش، راضیه عروج، پروین عظیمی، مارینا پتیریر، سید عظیم سجاد و تریه مگنوسون وائردال، به خاطر زحمات و مساعدت های بی شایبه شان ابراز امتنان نمایم.

آرزوی قلبی بنده این است که با کاربرد این کتاب، به رفع موانع میلیون ها طفل افغان (که هنوز از تعلیمات فراگیر و دوستانه بهره مند نشده اند) در زمینه آموزش، انکشاف و مشارکت کمک شود. آموزش برای همه تنها زمانی تحقق می یابد که تمام افراد درگیر در حوزه آموزش، به مسئولیت قانونی و اخلاقی خود نسبت به تمام اطفال محروم از آموزش پی ببرند. بنده اطمینان دارم که این کتاب در این پروسه مفید خواهد بود.



شیگرو آویاگی
رئیس دفتر یونسکو در کابل
نماینده یونسکو در افغانستان

ضروری است که مکاتب، اجتماعات محلی و مقامات معارف به نحو موثر به تأمین خدمات آموزشی بپردازند تا به هدف مبنی بر دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه دسترسی پیدا کنیم. مکتب جایی است که در آن اطفال به اکتساب دانش، ارزش ها و مهارت هایی دست می یابند که در تمامی عمر آن ها را هدایت می نمایند. از این رو، مکاتب نباید صرفاً به ثبت نام اطفال اکتفا کنند، بلکه از طریق همکاری با رهبران و اعضای اجتماعات محلی، باید به محله ها رفته و اطفال غیرمشمول در مکاتب را شناسایی و سپس آنها را در نظام معارف رسمی شامل سازند. به بیان دیگر مکاتب باید "جستجوگر اطفال" و به طور کنش گرایانه (غیرمنفعله) فراگیر باشند. سکتور معارف باید، شهامت و لیاقت خود را در زمینه تحقق حق بهره مندی اطفال از آموزش، توجه و محافظت نشان دهد. این سکتور باید سیستم های پذیرش و ارزیابی ای را پدید آورد که دوستانه و همچنین متمرکز بر خانواده ها و اجتماعات محلی باشند و صرفاً به امتحانات توجه نداشته باشند. اطفال باید چنین احساس کنند که مکتب، بدون در نظر داشت جنسیت، توانایی ها، معلولیت ها و سوابق آنها، پذیرا و خوش آمد گوی آنهاست. مکاتب و اجتماعات محلی نه تنها باید با مسئله تنوع مدارا کنند، بلکه باید آن را به عنوان یک اصل بپذیرند. تنوع زبان ها، قومیت ها و احساسات مذهبی مردم، افغانستان را زیبا و منحصر به فرد می سازد و می تواند عامل صلح، انکشاف و خوشبختی این کشور در آینده باشد.

علیرغم مساعی قابل ملاحظه دولت و مردم افغانستان در سال های گذشته، هنوز هم میلیون ها طفل سن مکتب، خارج از نظام معارف رسمی قرار دارند. برخی از اطفال هرگز در مکتب ثبت نام نکرده اند و عده دیگر ترک تعلیم می کنند یا در خلال تحصیل، اخراج می شوند. این مسئله در حالی اتفاق می افتد، که مقامات معارف، مکاتب و اجتماعات محلی کاملاً به مسئولیت قانونی شان در زمینه تأمین آموزش با کیفیت برای تمام اطفال، بدون در نظر داشت جنسیت، توانایی ها یا معلولیت ها، سوابق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قومی، زبانی یا مذهبی، یا وضعیت صحتی آنها، واقف نمی باشند. در افغانستان خشونت یک امر شایع در خانه ها و مکاتب می باشد؛ اطفال مجبور می شوند تا برای ساعات طولانی و تحت شرایط رقت آور کار کنند، و حق درس خواندن دختران صرفاً به خاطر اینکه دختر هستند انکار می گردد. این مسائل و بسیاری از مسائل مبرم دیگر، مورد توجه کنوانسیون ها، قوانین و اعلامیه های مذکور در این کتاب قرار گرفته اند.

بنابراین، در راستای کسب آگاهی بیشتر از مسئولیت های جمعی اخلاقی و قانونی خود مبنی بر تضمین حق دسترسی برابر به آموزش با کیفیت برای اطفال، ما یک سند فشرده در زمینه یک رویکرد حقوق-محور به آموزش فراهم آورده ایم. این کتاب می تواند مورد توجه قانون گذاران، مقامات و پلان گذاران معارف، استادان دانشگاه، مدیران و سرمعلمان، معلمان، متعلمین، اولیاء، فعالان در زمینه معارف و سایر دست اندرکاران کلیدی قرار گیرد. کتاب حاضر حاوی مجموعه ای از تعهدات ملی و بین المللی دولت افغانستان و همکاران بین المللی آن در زمینه تضمین حق اطفال در دسترسی به آموزش با کیفیت، توجه و حفاظت در محل زندگی شان می باشد. نسخه های کامل این اسناد در اینترنت موجود می باشند یا می توانید از دفاتر یونسکو UNESCO، یونیسف UNICEF، MACCA، یوناما UNAMA و اداره انکشافی ملل متحد در افغانستان UNDP، نسخه های چاپی آنها را بدست آورید. امیدوار هستیم که کتاب حاضر یک وسیله مهم آگاهی بخش برای همکاران ما باشد و تصمیم گیرندگان را تشویق کند تا وارد عمل شوند و تضمین نمایند که در سال های آتی، تمام اطفال از حق برابر در زمینه دسترسی به آموزش با کیفیت و خدمات صحتی در محیط های فراگیر و دوستانه برخوردار خواهند بود.

ترتیب مگنوسون و اتردال

زمینه های تعبیض علیه اطفال

منبع: کتاب رهنمای تطبیق کنوانسیون حقوق اطفال؛ یونیسف ۲۰۰۲؛ ص ۲.

- جنسیت
- معلولیت
- نژاد، بیگانه هراسی و نژاد گرایی
- وابستگی قومی
- گرایش جنسی
- کاست ها و قبایل خاص
- ”نجنس بودن“
- زبان
- اطفال ثبت نشده هنگام تولد
- دوگانگی ها
- اطفال متولد شده در روز شوم
- اطفالی که توسط زایمان بریچ (breech) متولد می شوند.
- اطفال متولد شده در شرایط غیر عادی
- سیاست ”یک طفل“ یا ”سه طفل“
- ایتم
- محل سکونت
- تمایز میان ولایات/قلمروها/ایالات/... متفاوت
- روستایی بودن (به شمول مهاجران روستایی)
- شهری بودن
- اطفال زاغه نشین (ساکن در محله های فقیر نشین)
- اطفال ساکن در ساحات و جزایر دوردست
- اطفال معلول
- اطفال بی خانمان
- اطفال رها شده (توسط والدین)
- اطفال تحت مراقبت بدیل (alternative care)
- اطفال اقلیت های قومی تحت مراقبت بدیل
- اطفال ساکن در پناهگاه ها
- اطفال که روی سرک ها زندگی یا کار می کنند
- اطفالی که پایشان به سیستم عدلی جوانان باز شده است، به خصوص اطفالی که آزادی آنها محدود می باشد
- اطفال تحت تأثیر جنگ
- اطفال کارگر
- اطفالی که در معرض خشونت قرار دارند
- اطفال گدا
- اطفال مبتلا به اچ. آی. وی/ایدز
- اطفال دارای والدین مبتلا به اچ آی وی/ایدز
- مادران مجرد جوان
- اقلیت ها به شمول اطفال Roma/بی خانمان ها/ مسافران/ کوچی ها
- اطفال
- اطفال متعلق به اجتماعات بومی
- افراد بدون تابعیت ملی، به شمول اطفال مهاجر
- مهاجران غیرقانونی
- اطفال مهاجران کارگر
- پناهندگان/ پناهجویان
- اطفال تحت تأثیر مصایب طبیعی
- اطفالی که در فقر/فقر شدید زندگی می کنند
- توزیع نابرابر ثروت ملی
- جایگاه اجتماعی/ محرومیت اجتماعی/نابرابری های اجتماعی
- اطفال تحت تأثیر مشکلات/ تغییرات اقتصادی
- وضعیت اقتصادی والدین که منجر به جدایی نژادی در مکتب می گردد
- املاک موروثی (والدین)
- مذهب والدین
- قوانین مذهبی احوال شخصیه
- اطفالی که در رابطه غیرزناشویی متولد می شوند
- اطفال خانواده های تک والدی
- اطفالی که در نتیجه وصلت محارم متولد می شوند
- اطفالی که در نتیجه ازدواج های بین اقوام/گروه های مذهبی یا ملیت های مختلف متولد می شوند

۱۴	اعلامیه جهانی حقوق بشر / ۱۹۴۸
۱۶	قانون اساسی / ۲۰۰۴
۱۸	کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق طفل
۲۰	کنوانسیون یونسکو بر ضد تبعیض در آموزش / ۱۹۶۰
۲۲	اعلامیه جهانی آموزش برای همه / ۱۹۹۰
۲۳	چارچوب عملی داکار - آموزش برای همه / ۲۰۰۰
۲۴	بیانیه و چارچوب عمل سالامانکا در مورد آموزش نیازمندیهای خاص / ۱۹۹۴
۲۶	اهداف انکشافی افغانستان برای پانزده سال آینده / ۲۰۰۰
۲۷	اهداف انکشافی افغانستان برای پانزده سال آینده / ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۰
۲۸	استراتژی انکشاف ملی افغانستان / ۲۰۱۳ - ۲۰۰۸
۳۰	اهداف انکشافی هزاره / ۲۰۰۰
۳۲	مسوده پلان استراتژیک ملی معارف ۲/۲۰۱۴ - ۲۰۱۰
۳۴	اعلامیه افغانستان در مورد تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال / ۲۰۱۰
۳۶	خطوط کاری تعلیمات فراگیر (خلاصه) / ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۴
۳۸	کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق اشخاص دارای معلولیت / ۲۰۰۶
۴۰	قانون حقوق اشخاص دارای معلولیت / ۲۰۱۰
۴۲	کنوانسیون قبایل و افراد بومی / ۱۹۸۹
۴۳	اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد بومی / ۲۰۰۷
۴۴	کنوانسیون ممنوعیت بدترین اشکال کار اطفال / ۱۹۹۹
۴۵	توصیه های کنوانسیون ممنوعیت بدترین اشکال کار اطفال / ۱۹۹۹
۴۶	کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان / ۱۹۷۹
۴۷	اعلامیه بیجینگ در چهارمین کنفرانس زنان / ۱۹۹۵
۴۸	اچ ای وی و ایدز
۴۹	بخش هایی از استراتژی یونسکو برای واکنش به اچ ای وی و ایدز
۵۰	ورکشاپ مسلمانان در مورد اچ ای وی/ایدز / ۲۰۰۴



ماده شانزدهم

۱. هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در تمام امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی هستند.
۲. ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود. (...)

ماده بیست و پنجم

۱. هر کس حق دارد که سطح زندگانی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری نقص اعضا، بیهوشی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.
۲. مادران و اطفال حق دارند از کمک و مراقبت مخصوص بهره مند شوند. اطفال (چه به اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند) حق دارند همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

ماده بیست و هشتم

۱. هر کس حق دارد که از تعلیم و تربیه بهره مند شود. تعلیم و تربیه لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است، باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌یی باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید در شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد، تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند.
۲. تعلیم و تربیه باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند. تعلیم و تربیه باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت های نژادی یا مذهبی و همچنین گسترش فعالیت های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید.
۳. پدر و مادر در انتخاب نوع تعلیم و تربیه فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد،

از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منجر به اعمال وحشیانه بی گزیده است که روح بشریت را به عصیان وا داشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است، (...)

از آنجا که مردم ملل متحد باور خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیط آزاد وضع زندگی بهتری به وجود آورند،

از آنجا که دول عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند،

مجمع عمومی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و تمام ملل اعلام می کند تا تمامی افراد و همه ارکان اجتماعی این اعلامیه را مد نظر داشته باشند و تلاش کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی ها گسترش یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و جهانی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهای دیگر که در قلمرو آنها می باشند، تأمین گردد،

ماده اول

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند.

ماده دوم

هر کس می تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و تمام آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد.

ماده سوم

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده پنجم

هیچکسی را نمی توان زیر شکنجه، مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه، برخلاف انسانیت و شئون بشری یا اهانت آمیز باشد.

متن کامل در آدرس روبرو موجود می باشد: <http://www.un.org/en/documents/udhr/>

نسخه دری در آدرس روبرو موجود می باشد: <http://www.ohchr.org/EN/UDHR/Pages/Language.aspx?LangID=prs1>

نسخه پشتو در آدرس روبرو موجود می باشد: <http://www.ohchr.org/EN/UDHR/Pages/Language.aspx?LangID=pbu>



فصل دوم

ماده بیست و دوم (برابری)

۱. هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.
۲. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

فصل اول- دولت

ماده بیست و چهارم

۱. آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.
۲. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است.
۳. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده چهل و سوم (تعلیم)

۱. تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تامین می گردد.
۲. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تامین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام موثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان های مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند فراهم کند.
۳. دولت همچنین مکلف است تا امکان تدریس لسان های بومی در ساحاتی که بدان تکلم می گردد را فراهم نماید.

ماده چهل و چهارم (تعلیم برای زنان و کوچی ها، و بیسوادان)

- دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی سواد در کشور، پروگرامهای موثر طرح و تطبیق نماید.

ماده چهل و پنجم (نصاب تعلیمی واحد)

- دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می نماید.

ماده پنجاه و دوم (حفظ الصحه، شفاخانه ها، تربیت بدنی، ورزش ها)

۱. دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین می نماید.
۲. دولت تاسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند.
۳. دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزشهای ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ما مردم افغانستان قانون اساسی هذا را به تبعیت از مقتضیات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی زمانه و بواسطه نماینده گان انتخابی خود در لویه جرگه به تاریخ ۱۴ جدی ۱۳۸۲ در شهر کابل تصویب نمودیم.

ماده چهارم (حاکمیت، گروه های قومی، شهروندی)

۱. حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می کند.
۲. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.
۳. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی، و سایر اقوام می باشند.
۴. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود.
۵. هیچ فرد از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی گردد. (...)

ماده ششم (اهداف)

دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تامین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد.

ماده هفتم (حقوق بین الملل)

دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.

ماده شانزدهم (لسان ها)

۱. از جمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه یی، نورستانی، پامیری و سایر زبانهای رایج در کشور، پشتو و دری زبانهای رسمی دولت می باشند.
۲. در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبانهای ازبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می نمایند آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد.
۳. دولت برای تقویت و انکشاف همه زبانهای افغانستان پروگرامهای موثر طرح و تطبیق می نماید.

ماده هفتم (معارف)

دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پنجاه و سوم (معلولین)

۱. دولت به منظور تنظیم خدمات طبي و مساعدت مالي براي بازماندگان شهدا و مفقودين و براي بازنوايي معلولين و معيوبين و سهم گيري فعال آنان در جامعه ، مطابق به احكام قانون، تدابير لازم اتخاذ مي نمايد.
۲. دولت حقوق متقاعدين را تضمين نموده ، براي كهن سالان ، زنان بي سرپرست ، معيوبين و معلولين و ايتام بي بضاعت مطابق به احكام قانون كمك لازم به عمل مي آورد.

ماده پنجاه و هشتم (كميسيون حقوق بشر)

۱. دولت به منظور نظارت به رعايت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمايت از آن، كميسيون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسيس مي نمايد.
۲. هر شخص مي تواند در صورت نقض حقوق بشري خود، به اين كميسيون شكايهت نمايد.
۳. كميسيون مي تواند موارد نقض حقوق بشري افراد را به مراجع قانوني راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نمايد.
۴. تشكيل و طرز فعاليت اين كميسيون توسط قانون تنظيم مي گردد.



کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق طفل

هر طفل دارای حقوق ذیل می باشد:

- حق زاده شدن، و داشتن نام و ملیت؛
- حق داشتن خانواده ای که نسبت به او توجه و مراقبت داشته باشد؛
- امنیت داشتن و حفاظت در برابر خشونت، سوء استفاده و استثمار؛
- حق برخورداری از تعلیم و تربیه با کیفیت و انکشاف کامل ظرفیت خود؛
- حق ابراز نظر و ارزش نهادن به خاطر کمک هایی که ارائه می کند؛
- حق برخورداری از فرصت بازی و تفریح؛
- حق داشتن خوراک و صحت کافی؛
- حق داشتن پناهگاه کافی و زندگی در جای آرام؛

ماده هفتم

۱. هر طفلی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود، همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگهداری شود. (...)

ماده سیزدهم

۱. طفل حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگاهی است که طفل بدون ترس از محدودیت های حکومتی دانستی ها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیله ای انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد (...)

ماده نوزدهم

۱. حکومت ها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، طفل را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت می کنند. (...)

ماده بیست و سوم

۱. حکومت ها اعلام می دارند که اگر یک طفل دارای نقص بدنی یا عقلی است، باید در عین معلولیت خودش، یک زندگی شایسته انسانی داشته باشد. زندگی که در آن، حیثیت او محفوظ باشد و شرکت فعال و مستقل او در زندگی جمعی تسهیل گردد.

ماده بیست و هشتم

۱. حکومت ها حق تعلیم و تربیه را برای طفل به رسمیت می شناسند و بویژه برای تحقق آن:
 - ا. تحصیل دوره ابتدایی را برای همه اجباری و رایگان می کنند.
 - ب. امکان ورود به مکاتب عالی را در دسترس همه گذاشته و از آن حمایت می کنند.
 - ت. مشاوره شغلی و حرفه ای را برای همه اطفال ممکن و قابل دسترسی می نمایند.
 - ث. برای کاهش تعداد اطفالی که مکتب را رها می کنند، تلاش نموده و اقدامات مناسب را برای حضور منظم اطفال در مکتب انجام می دهند.
۱. حکومت های عضو پیمان کوشش خود را می کنند تا روند تعلیم و تربیه در مکاتب در خور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه هم خوان باشد.

ماده اول

مطابق با این پیمان نامه، یک طفل انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است (...)

ماده دوم

۱. حکومت های عضو این پیمان نامه، برای هر طفلی که در قلمرو آنهاست، بدون تبعیض و یا فرق گذاری و بدون از هر گونه وابستگی به نژاد، رنگ پوست، اصالت اجتماعی و قومی و یا ملی، میزان دارایی، معلولیت، وضعیت سرپرست و یا والدین و هر موقعیت دیگری که طفل در آن است، اجرای حقوق مندرج در این پیمان نامه را تضمین می کنند.
۲. حکومت های عضو این پیمان، تمام اقدامات لازم را انجام می دهند تا این اطمینان کامل را بوجود آورند که هر طفلی از همه اشکال تبعیض و فرق گذاری در امان است و بخاطر ابراز عقیده و جهان بینی و فعالیت های والدین یا سرپرست یا اقوام خودش مجازات نمی شود.

ماده سوم

۱. در انجام هر اقدامی که به نوعی به طفل مربوط می شود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیراداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تأمین سلامت طفل بر سایر مسائل تقدم دارد.
۲. حکومت های عضو این پیمان موظف اند با رعایت حقوق والدین و یا سرپرست، از اطفال حمایت نموده و اقدامات لازم حقوقی و قانونی را بعمل آورند. (...)

ماده ششم

۱. هر طفلی حق زندگی دارد و این حق مادرزادی اوست که از طرف همه حکومت های عضو پیمان به رسمیت شناخته شود.
۲. ادامه حیات و رشد طفل از طرف حکومت های امضاء کننده این پیمان نامه بطور کامل تضمین می شود.

ماده بیست و نهم

۱. حکومت های عضو تأیید می کنند که تربیت باید:
 - أ. شخصیت، استعداد و توانایی های روانی و جسمی طفل را تقویت و شکوفا نماید.
 - ب. احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی های پایه ای مصوب سازمان ملل متحد را، در طفل پرورش دهد.
 - ب. نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش های ملی سرزمین پدری ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین ها را تقویت کند.
 - ت. طفل را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل و مدارا، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق ها و گروه های قومی یا ملی-مذهبی، آماده کند.
 - ث. علاقه و توجه به طفل را نسبت به محیط زیست و طبیعی بیشتر کند. (...)

ماده سی و دوم

۱. حکومت ها این حق را به رسمیت می شناسند که طفل استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود (...)

ماده سی و چهارم

- حکومت های عضو پیمان، خود را موظف می دانند که طفل را در مقابل هر گونه استثمار جنسی و سوء استفاده جنسی حمایت کنند. حکومت ها برای این منظور دست به اقدامات در سطح داخل و خارج از کشور می زنند تا:
- أ. اطفال به روابط جنسی غیرقانونی و یا اجباری کشانده نشوند.
 - أ. اطفال در زمینه فحشاء مورد استفاده قرار نگیرند.
 - ب. از اطفال در پورنوگرافی (هرزه نگاری) و نمایش های سکسی استفاده نشود.

ماده سی و پنجم

- حکومت های عضو با بکارگیری تمامی امکانات موجود داخلی و خارجی، منطقه ای یا فرا منطقه ای، از اختطاف و خرید و فروش اطفال به هر منظوری که باشد، جلوگیری می کنند.



ماده اول

۱. مطابق با این کنوانسیون، اصطلاح "تبعیض" به هر گونه فرق گذاری، محرومیت، محدودیت یا ترجیح بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، اصالت ملی یا اجتماعی، شرایط اقتصادی یا تولد، اطلاق می شود که هدف یا پیامد آن، لغو یا تضعیف برخورد برابر در آموزش و به خصوص موارد ذیل باشد:
 - ا. محروم سازی هر فرد یا گروه از دسترسی به هر گونه آموزش در هر سطحی آن؛
 - ب. محدودسازی هر فرد یا گروه به آموزش دارای استاندارد پایین؛
 - ت. ایجاد یا ابقای سیستم ها یا موسسات آموزشی مجزا برای اشخاص یا گروه ها (منوط به احکام ماده ۲ از این کنوانسیون)؛ یا
 - ث. تحمیل برخی شرایط بر افراد یا گروه ها، که مطابق با شأن انسانی آنها نباشد؛
۲. مطابق با این کنوانسیون، اصطلاح "آموزش" به تمامی انواع و سطوح آموزش اطلاق دارد و شامل دسترسی به آموزش، استاندارد و کیفیت آموزش، و شرایط تأمین آموزش می باشد.

ماده دوم

در صورتی که در یک کشور مجاز باشد، شرایط ذیل منجر به تبعیض، به همان معنایی که در ماده یک این کنوانسیون ذکر شده است، نخواهد شد:

- ا. ایجاد یا حفظ سیستم ها یا موسسات آموزشی مجزا برای شاگردان دختر و پسر، به شرطی که این سیستم ها یا موسسات، امکان دسترسی برابر به آموزش را فراهم سازند، کدرهای آموزشی آنها دارای شایستگی های یکسان باشند و همچنین ساختمان ها و تجهیزات از کیفیت یکسان برخوردار باشند و فرصت اشتراک در دوره های مطالعاتی یکسان را فراهم سازند.
- ب. ایجاد یا حفظ سیستم ها یا موسسات آموزشی مجزا، بنا به توجهات مذهبی یا زبانی، که به متابعت از آرزو ها و خواسته های والدین شاگردان یا سرپرستان قانونی آنها باشد، به شرطی که اشتراک یا حضور در این سیستم ها اختیاری باشد و آموزش مطابق با معیارهایی باشد که توسط مراجع ذیصلاح و به خصوص در رابطه با سطح آموزشی یکسان، وضع یا تصویب شده باشد؛
- ت. ایجاد یا حفظ موسسات آموزشی خصوصی، به شرطی که موسسات در صدد محروم ساختن هیچ گروهی نباشند بلکه هدف آنها تأمین امکانات آموزشی در کنار موسسات آموزشی دولتی باشد یا به این قصد تأسیس شده باشند و به شرطی که آموزشی که از طریق این موسسات ارائه می گردد، در مطابقت با معیارهایی باشد که توسط مراجع ذیصلاح و به خصوص در مورد سطح آموزشی یکسان، وضع و یا تصویب شده باشند.

ماده سوم

- به منظور احما و جلوگیری از تبعیض، به معنایی که این کنوانسیون در نظر دارد، دول عضو اقدامات لازم را برای اهداف ذیل انجام خواهند داد:
- ا. الغا و دست کشیدن از آندسته از احکام قانونی یا فرامین اداری و متوقف ساختن آن دسته از طرز العمل های اداری که مستلزم تبعیض در آموزش می باشند.
 - ب. از طریق قانونگذاری در صورت لزوم، تضمین اینکه هیچ گونه تبعیضی در پذیرش شاگردان در موسسات آموزشی وجود نخواهد داشت؛
 - ت. عدم تجویز هر گونه تفاوت در طرز برخورد مراجع دولتی با شهروندان در زمینه (تعیین) فیس مکتب و اعطای بورسیه های تحصیلی یا سایر اشکال کمک با شاگردان و ارائه جوازاها و امکانات لازم برای ادامه تحصیلات در کشورهای خارجی، مگر در مواردی که چنین برخوردی بر اساس میزان شایستگی یا برحسب ضرورت باشد.
 - ث. عدم تجویز مراجع دولتی به تأمین کمک برای موسسات آموزشی، عدم تجویز هر گونه محدودیت یا فرق گذاری صرفاً به خاطر وابستگی شاگردان به یک گروه خاص؛
 - ج. تأمین آموزش برای شهروندان خارجی، در محل زندگی شان، به همان میزانی که در اختیار شهروندان آن کشور قرار می گیرد.

ماده چهارم

- دول عضو این کنوانسیون بیشتر کوشش می کنند تا یک پالیسی ملی را تنظیم، انکشاف و تطبیق نمایند که با تکیه بر روش متناسب با وضعیت های مختلف و قابل استفاده در سطح ملی، منجر به ارتقای برابری فرصت ها و طرز برخوردها در حوزه آموزش و به خصوص موارد ذیل شود:
- ا. رایگان و اجباری نمودن آموزش در سطح ابتدائیه؛ تأمین همگانی آموزش ثانویه در اشکال مختلف آن؛ تأمین تحصیلات عالی به شکل برابر برای همگان بر اساس ظرفیت ها و توانایی های فردی؛ تضمین اینکه همگان به وظیفه قانونی شان مبنی بر حضور در مکتب عمل نمایند؛
 - ب. تضمین اینکه معیارهای آموزشی در تمام موسسات آموزشی هم سطح، یکسان و برابر خواهند بود و شرایط مربوط به کیفیت آموزش نیز یکسان خواهند بود؛
 - ت. ترغیب و ترویج آموزش اشخاصی که آموزش ابتدائیه دریافت نکرده اند یا آن را تکمیل نکرده اند و تداوم تحصیلات آنها بر اساس ظرفیت فردی و با تکیه بر روش های مناسب؛
 - ث. تأمین آموزش برای معلمان بدون تبعیض؛

ماده پنجم

۱. دول عضو کنوانسیون حاضر روی موارد ذیل موافقت می کنند:

ا. آموزش باید منتهی به رشد شخصیت انسان و بهبود میزان احترام به حقوق بشر و آزادی های بنیادین شود؛ آموزش باید به ارتقای تفاهم، مدارا و دوستی میان ملت ها، گروه های نژادی یا مذهبی منتهی گردد و فعالیت های سازمان ملل متحد را در زمینه حفظ صلح از دیاد بخشد؛

ا. والدین یا سرپرستان قانونی این آزادی را دارند که در وهله اول تصمیم بگیرند اطفال شان در موسساتی غیر از موسسات دولتی شامل شوند که از حداقل معیارهای آموزشی که توسط مراجع ذیصلاح وضع و تصویب شده باشد، پیروی می کنند، و در وهله دوم، به شیوه متناسب با طرز العمل های تنفیذ قوانین دولت، اطمینان حاصل کنند که تعلیمات دینی و اخلاقی برای اطفال در

مطابقت با باورها و عقاید خودشان است؛ هیچ شخصی یا گروهی نباید مجبور به دریافت تعلیمات دینی شود که با عقایدشان سازگار نیست؛

ب. الزام برسمیت شناختن حق اقلیت های ملی مبنی بر انجام امور آموزشی مختص خودشان، به شمول حفظ مکاتب و، بسته به پالیسی آموزشی هر دولت، کاربرد یا تدریس زبان، البته به شرط اینکه:

۱. این حق به شیوه ای که مانع از فهم فرهنگ و زبان جامعه گسترده تر و اشتراک در فعالیت آن یا پیشداوری در مورد حاکمیت ملی شود، تطبیق نگردد؛

۲. معیار آموزشی پایین تر از معیار عمومی که توسط مراجع ذیصلاح وضع یا تصویب شده است، نباشد؛ و

۳. اینکه حضور در چنین مکاتبی اختیاری باشد.



برآورده کردن نیازهای آموزشی اساسی

هر فرد- طفل، جوان و بزرگسال- باید از فرصت های آموزشی، که برای برآورده ساختن نیازهای آموزشی اساسی آنها در نظر گرفته شده است، برخوردار گردد.

شکل دهی دیدگاه

برآورده کردن نیازهای آموزشی اساسی همگان، نیازمند چیزی فراتر از تعهد مجدد در قبال آموزش اساسی، چنانکه اکنون موجود است، می باشد. آنچه بدان نیازمندیم یک "دیدگاه گسترده" می باشد. این دیدگاه در عین حال که متکی بر روش های عالی موجود است، فراتر از منابع موجود، ساختارهای سازمانی، نصاب تعلیمی و سیستم های سنتی عرضه خدمات می باشد.

دسترسی همگانی و ارتقای برابری

تعلیمات اساسی باید برای تمامی اطفال، جوانان و بزرگسالان فراهم گردد.

تمرکز بر یادگیری

اینکه آیا گسترش فرصت های آموزش منجر به رشد قابل ملاحظه-فرد یا جامعه- می شود، نهایتاً وابسته آگاهی مردم از نتایج این فرصت ها می باشد، یعنی اینکه آیا آنها موفق به کسب دانش، قدرت استدلال، مهارت ها و ارزش ها می شوند یا خیر.

بسط دادن شیوه ها و دامنه آموزش اساسی

- یادگیری از بدو تولد آغاز می شود.
- سیستم اصلی تأمین آموزش اساسی برای اطفال، خارج از خانواده آنها، مکاتب ابتدائیه است.
 - نیازهای آموزشی اساسی جوانان و بزرگسالان متنوع بوده و از این رو باید از طریق سیستم های متنوع برآورده شود.
 - می توان از تمام ابزارها و شبکه های معلوماتی موجود، ارتباطات و کنش های اجتماعی برای کمک به انتقال دانش ضروری به مردم و آموزش در مورد مسائل اجتماعی استفاده نمود.

بهبود محیط برای یادگیری بهتر

یادگیری چیزی نیست که در انزوا صورت گیرد. بنابراین، جوامع باید اطمینان حاصل کنند که تمام آموزندگان از تغذیه، حفظ الصحة و حمایت فزیک و عاطفی برخوردار می گردند تا بتوانند به طور فعال در امر آموزش شرکت و از آن بهرمنند گردند.

بهبود همکاری ها

مقامات آموزشی ملی، منطقوی و محلی مکلف به تأمین آموزش اساسی برای همگان می باشند، اما نباید از آنها انتظار داشته باشیم تا برای انجام این وظیفه خود تمامی منابع انسانی، مالی یا سازمانی را فراهم کنند. لازم است تا در همه سطوح همکاری های جدید صورت گیرد یا همکاری ها از سر گرفته شود.

انکشاف پالیسی های حمایتی

وجود پالیسی های حمایتی در سکتورهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به منظور تأمین و به کارگیری آموزش اساسی برای افراد و بهبود جامعه ضروری می باشد.

بسیج منابع

چنانچه نتوان از طریق اقدامات گسترده تر از گذشته، نیازهای آموزشی اساسی را برآورده نمود، آنگاه ضروری است تا منابع مالی و انسانی و منابع عامه، خصوصی و رضاکارانه را بسیج کرد.

تقویت همبستگی بین المللی

برآورده کردن نیازهای آموزشی، یک مسئولیت انسانی همگانی و مشترک قلمداد می شود. انجام این مسئولیت، نیازمند همبستگی بین المللی و روابط منصفانه اقتصادی به منظور جبران کمبودهای اقتصادی موجود می باشد.

ماده سوم

ما مجدداً دیدگاه اعلامیه جهانی آموزشی برای همه را تصدیق می‌نماییم (۱۹۹۰)، که این دیدگاه مورد حمایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق طفل است و بیان می‌نماید که تمام اطفال، جوانان و بزرگسالان این حق انسانی را دارند که از تعلیم و تربیه ای برخوردار شوند که بتواند نیازهای آموزشی اساسی آنها را به بهترین نحو برآورده سازد و مشتمل بر یادگیری فهمیدن، عمل کردن، زندگی مشترک و بودن باشد. این نوع تعلیم و تربیه می‌تواند استعدادها و توانایی‌های بلقوه افراد را تقویت و شخصیت آنها را رشد دهد تا آنها بتوانند زندگی خود را بهبود و جوامع خود را متحول سازند.

ماده ششم

آموزش یک حق انسانی بنیادین و کلید انکشاف و صلح پایدار و ثبات در درون و بین کشورها می‌باشد. بنابراین، آموزش از لوازم و بایسته‌های مشارکت موثر در جوامع و سیستم‌های اقتصادی قرن بیست یکم، که تحت تأثیر فرایند سریع جهانی شدن می‌باشند، است. تحقق اهداف آموزش برای همه، نباید به تعویق انداخته شود. نیازهای آموزشی اساسی همه افراد می‌تواند و باید به عنوان یک ضرورت فوری برآورده گردد.

ماده هفتم

ما بدینوسیله و به طور جمعی خود را متعهد می‌دانیم تا اهداف ذیل را بدست آوریم"

۱. گسترش و بهبود مراقبت و آموزش زود هنگام و جامع در دوران طفولیت، به خصوص برای اطفالی که بیش از دیگران آسیب پذیر و محروم می‌باشند؛
۲. تضمین اینکه تا سال ۲۰۱۵، تمام اطفال، به خصوص دختران، اطفال دچار شرایط بغرنج و اطفال متعلق به اقلیت‌های قومی، به تعلیمات ابتدائیه رایگان و اجباری و دارای کیفیت مناسب دسترسی خواهند داشت؛
۳. تضمین اینکه نیازهای آموزشی تمام جوانان و بزرگسالان از طریق دسترسی منصفانه به برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های مهارت‌های حیاتی برآورده خواهد شد؛
۴. تحقق ۵۰ فی صد پیشرفت در سطوح سوادآموزی بزرگسالان تا سال ۲۰۱۵ به خصوص برای زنان، و دسترسی عادلانه به آموزش اساسی و تداوم آن برای بزرگسالان؛
۵. رفع تبعیض جنسیتی در آموزش ابتدائیه و ثانویه تا سال ۲۰۰۵، و تحقق برابری جنسیت در حوزه تعلیم و تربیه تا سال ۲۰۰۵، با تمرکز روی تضمین دسترسی کامل و برابر دختران به آموزش با کیفیت و موفقیت آنها در عرصه آموزش؛
۶. بهبود تمامی جنبه‌های کیفی آموزش و تضمین موفقیت و تعالی همگان- همه افراد به نتایج آموزشی مورد توافق و قابل سنجش، به خصوص در حوزه‌های سواد، حساب و مهارت‌های حیاتی ضروری، دست یابند.

ماده هشتم

به منظور دستیابی به این اهداف، ما، دولت‌ها، سازمان‌ها، ادارات، گروه‌ها و انجمن‌هایی که در تریبون جهانی آموزش نمایندگی می‌شویم، تعهد می‌نماییم تا:

۱. تعهدات سیاسی ملی و بین‌المللی در راستای آموزش برای همه را بسیج نموده و پلان‌های عملی ملی را انکشاف دهیم و میزان سرمایه‌گذاری‌ها در عرصه آموزش اساسی را به طور قابل ملاحظه ارتقا دهیم؛
۲. پالیسی‌های آموزش برای همه را در یک چارچوب سکنتوری یکپارچه که با امحای فقر و انکشاف استراتژی‌های ذریبط در ارتباط باشد، ارتقا دهیم؛
۳. مشارکت جامعه مدنی را در تنظیم، تطبیق و نظارت بر استراتژی‌های مربوط به انکشاف آموزشی تضمین نماییم؛
۴. سیستم‌های پاسخگو، مشارکتی و حساسه را برای مدیریت و اداره آموزشی انکشاف دهیم؛
۵. نیازمندیهای نظام‌های آموزشی را که تحت تأثیر درگیری، مصایب طبیعی و عدم ثبات قرار گرفته، برآورده سازیم و برنامه‌های آموزشی را به شیوه‌ای که منجر به بهبود تفاهم، صلح و مدارا باشد و به جلوگیری از خشونت و درگیری کمک نماید، تطبیق کنیم؛
۶. استراتژی‌های یکپارچه برابری جنسیتی در حوزه آموزش را که بر ضرورت تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و اعمال اذعان داشته باشند، تطبیق نماییم؛
۷. به طور عاجل، برنامه‌ها و اقدامات آموزشی لازم را به منظوراز بین بردن آج‌آی‌وی و ایدز انجام دهیم؛
۸. محیط‌های آموزشی ایمن، سالم، فراگیر و برابرنگرانه‌ای ایجاد نماییم که برای موفقیت در عرصه آموزش مفید باشند و سطوح تعریف شده برای پیشرفت همگان داشته باشند؛
۹. جایگاه، روحیه و سطح تخصص معلمان را بهبود بخشیم؛
۱۰. تکنالوجی‌های معلوماتی و ارتباطی جدیدی را برای کمک به تحقق اهداف آموزش برای همه تأمین نماییم؛
۱۱. به طور روشمند در راستای تحقق اهداف و استراتژی‌های آموزش برای همه در سطوح ملی، منطقوی و بین‌المللی حرکت کنیم؛ و
۱۲. از مکانیزم‌های موجود برای تسریع پیشرفت در راستای اهداف آموزش برای همه استفاده کنیم.

بیانیه و چارچوب عمل سالامانکا در مورد آموزش نیازمندیهای خاص / ۱۹۹۴

بیانیه

چارچوب عمل

ماده دوم

ما معتقدیم و اعلام می داریم که:

- هر طفلی دارای حق بنیادین آموزش می باشد و باید از فرصت دستیابی و حفظ میزان قابل قبولی از آموزش بهره مند گردد،
- هر طفلی دارای خصایص، علایق، توانایی ها و نیازهای آموزشی مخصوص به خود می باشد،
- نظام های آموزشی برنامه های آموزشی باید با در نظر داشت کثرت و تنوع این خصایص و نیازها طراحی و تطبیق شوند،
- کسانی که دارای نیازمندیهای آموزشی خاص می باشند، باید به مکاتب عادی ای دسترسی داشته باشند که مکلفند آنها را در دوره های آموزشی طفل-محور که قادر به برآورده کردن نیازهای آنها هستند، شامل کنند،
- مکاتب عادی که دارای چنین گرایش فراگیری می باشند، موثرترین ابزار برای مبارزه با نگرش های تبعیض آلود، ایجاد اجتماعات پذیرا، ایجاد جامعه فراگیر و تحقق آموزش برای همه می باشند. علاوه بر این، این مکاتب به نحو موثر اکثریت اطفال را آموزش داده و کارایی و نهایتاً سودمندی مصارف کل نظام آموزشی را بهبود می بخشند.

ماده سوم

ما از تمامی دولت ها خواستاریم تا:

- نظام های آموزشی خود را به عنوان بالاترین پالیسی و اولویت بودیجی مد نظر گرفته و این نظام ها را بهبود بخشند و آنها را قادر سازند تا تمامی اطفال را بدون در نظر داشت تمایزات یا مشکلات فردی بپذیرند.
- به عنوان یک حکم قانونی یا پالیسی، اصل تعلیمات فراگیر را اتخاذ نموده و تمام اطفال را در مکاتب عادی ثبت نمایند. مگر اینکه دلایل قانع کننده ای برای عدم انجام این کار وجود داشته باشد، پروژه های بررسی دوام پذیری را انکشاف دهند و تبدلات با کشور های دارای تجربه مکاتب فراگیر را ترویج نمایند، مکانیزم های تمرکز نیافته و مشارکتی ای برای پلان گذاری، نظارت و ارزیابی آموزش اطفال و بزرگسالان دارای نیازمندیهای آموزشی خاص ایجاد نمایند،
- ترویج و تسهیل مشارکت والدین، اجتماعات محلی و سازمان های معلولین در پروژه های پلان گذاری و تصمیم گیری در مورد تأمین نیازمندی های آموزشی خاص،
- تلاش های گسترده تر در زمینه شناسایی زود هنگام و تطبیق استراتژی ها و هم چنین در زمینه بخش های تخنیکی و مسلکی تعلیمات فراگیر،
- حصول اطمینان از اینکه، تحت شرایطی که تغییرات سیستمی رخ می دهد، برنامه های آموزش معلم، چه قبل از خدمت و چه حین خدمت، متمرکز بر تأمین نیازمندی های آموزشی خاص در مکاتب فراگیر باشند.

ماده سوم

این چارچوب مبتنی بر این اصل اساسی است که مکاتب باید تمامی اطفال را بدون در نظر داشت وضعیت جسمانی، فکری، اجتماعی، عاطفی، زبانی یا سایر شرایط آنها پذیرا باشند. این اطفال باید شامل اطفال معلول و با استعداد، اطفال سر سرک و کارگر، اطفال کوچی، اطفال اقلیت های زبانی، قومی یا فرهنگی و اطفال متعلق به سایر گروه ها یا ساحات محروم یا منزوی باشد. شرایط مذکور چالش های متعددی برای سیستم های مکتب ایجاد می کنند. مطابق به این چارچوب، اصطلاح "نیازمندیهای آموزشی خاص" به اطفال و جوانانی اشاره دارد که نیازهای آنها از ناتوانی ها یا مشکلات یادگیری آنها برمی خیزد. بسیاری از اطفال مشکلات در یادگیری را تجربه می کنند و از این رو بعضی اوقات در طول دوره مکتب نیازهای آموزشی خاصی پیدا می کنند. مکاتب باید برای آموزش موفقانه تمام اطفال، به شمول آنهايي که با محرومیت ها و معلولیت های جدی مواجه می باشند، شیوه های مناسب را جستجو کنند. در حال حاضر روی این مسئله توافق نظر صورت می گیرد که اطفال و جوانان دارای نیازمندیهای آموزشی خاص باید در ترتیبات آموزشی که برای اکثریت اطفال انجام می گیرد، در نظر گرفته شوند. در نتیجه این توافق نظر، مفهوم مکاتب فراگیر شکل گرفته است. چالشی که در راستای تطبیق مکاتب فراگیر وجود دارد، عبارت از انکشاف دوره های آموزشی (pedagogy) طفل محور است که بتوانند به طور موفقانه تمامی اطفال، به شمول اطفال مواجه با محرومیت ها و معلولیت های جدی، را آموزش دهند. (...)

ماده چهارم

(...) این چارچوب مبتنی بر این فرضیه است که تمایزات انسان ها یک پدیده طبیعی است و آموزش نیز متعاقباً باید به نیازهای اطفال منطبق گردد و نه اینکه اطفال با مفروضات پیشین در مورد سرعت و ماهیت پروژه آموزشی وفق داده شوند. دوره های آموزشی طفل محور می تواند برای تمام متعلمین و متعاقباً برای کل جامعه سودمند باشد. (...) این دوره ها همچنین می توانند به میزان قابل ملاحظه نرخ اخراج و تکرار سال های درسی را کاهش دهند (...). و در عین حال منجر به بالا رفتن میزان متوسط موفقیت گردند (...). علاوه بر این، مکاتب طفل محور، زمینه شکل گیری یک جامعه مردم محور را فراهم می کنند که در آن هم به تمایزات و هم به شأن انسانی مردم احترام گذاشته شود.

ماده ششم

(...) شمولیت و مشارکت دو مولفه ضروری برای شأن انسانی و برخورداری از حقوق بشری و تطبیق آن می باشد. (...)

ماده هفتم

اصل بنیادین مکاتب فراگیر این است که تمام اطفال باید، در هر جایی که ممکن باشد، در کنار همدیگر و بدون در نظر داشت مشکلات یا تمایزات آنها، آموزش ببینند. مکاتب فراگیر باید نیازهای متعدد شاگردان را قبول و تأمین نمایند (...)

ماده دهم

(...) علاوه بر این، تجارب نشان می دهد که مکاتب فراگیر که به تمامی اطفال در یک اجتماع خدمت می کنند، در زمینه انگیزش حمایت مردمی و یافتن شیوه های ابتکاری در کاربرد منابع محدود، موفق تر از سایر مکاتب می باشند.

ماده هجدهم

پالیسی های آموزشی در تمام سطوح، از سطح ملی تا محلی، باید این الزام را به دنبال داشته باشند که یک طفل دارای معلولیت باید در مکتب نزدیک به محل زندگی خود، یعنی همان مکتبی که اطفال سالم و غیر معلول در آن شامل می شوند، شامل ساخته شود (...)



اهداف انکشافی هزاره / ۲۰۰۰

هدف هشتم: گسترش مشارکت جهانی برای رسیدن به انکشاف

- توسعه بیشتر سیستم های مالی و تجاری قاعده مند، قابل پیش بینی و عاری از تبعیض، به شمول تعهد به حکومتداری خوب، انکشاف و کاهش فقر در سطح ملی و بین المللی
- رسیدگی به نیازهای خاص کشورهای کمتر توسعه یافته. این هدف شامل دسترسی آزاد به مالیات های گمرکی و سهمیه های صادرات؛ بهبود کمک های قرضوی برای کشورهای فقیر شدیداً مقروض؛ لغو قرضه های رسمی دو طرفه؛ و از دیاد کمک های انکشافی رسمی برای کشورهای متعهد به کاهش فقر
- رسیدگی به نیازهای خاص حکومت ها در کشورهای محصور به خشکی و جزایر کوچک
- رسیدگی گسترده به مشکلات قرضوی کشورهای در حال توسعه از طریق اقدامات ملی و بین المللی به منظور با دوام کردن قرضه در درازمدت
- ایجاد کارهای تولیدی و آبرومندانه برای جوانان با همکاری کشورهای در حال انکشاف
- تأمین دسترسی به دواهای ضروری ارزان قیمت با همکاری شرکت های دواسازی
- مهیا کردن تکنالوجی های جدید، به خصوص تکنالوجی های معلوماتی و ارتباطی با همکاری سکتور خصوصی

تمام دولت های عضو سازمان ملل متحد اعلام کردند که تا سال ۲۰۰۵ اهداف ذیل به دست آید:

هدف اول: امحای فقر شدید و گرسنگی

- کاهش نصف جمعیت مردمی که با کمتر از یک دلار فی روز زندگی می کنند
- کاهش نصف جمعیت مردمی که از گرسنگی رنج می برند

هدف دوم: دستیابی به تعلیم و تربیه ابتدائیه همگانی

- تضمین اینکه تمامی پسران و دختران دوره ابتدائیه مکتب را تکمیل می نمایند

هدف سوم: ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان

- امحای نابرابری جنسیتی در مکاتب ابتدائیه و ثانویه ترجیحاً تا سال ۲۰۰۵ و در همه سطوح تا سال ۲۰۱۵

هدف چهارم: کاهش میزان مرگ و میر اطفال

- کاهش دوسوم میزان مرگ و میر در میان اطفال زیر ۴ سال

هدف پنجم: بهبود صحت مادران

- کاهش سه چهارم نسبت مرگ و میر مادران

هدف ششم: مبارزه با اچ ای وی/ایدز، مالاریا و سایر امراض

- متوقف نمودن و معکوس کردن شیوع اچ ای وی/ایدز
- متوقف نمودن و معکوس کردن شیوع مالاریا و سایر امراض وخیم

هدف هفتم: تأمین محیط زیست پایدار

- شامل سازی اصول انکشاف پایدار در پالیسی ها و برنامه های کشور؛ جبران منابع زیست محیطی به هدر رفته
- کاهش نصف جمعیت مردمی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند
- بهبودی قابل ملاحظه در زندگی حد اقل ۱۰۰ میلیون از ساکنین محله های فقیر نشین تا سال ۲۰۲۰

اهداف انکشافی افغانستان برای پانزده سال آینده

۲۰۰۲ الی ۲۰۲۰

هدف ۹

- هدف شماره ۱: امحای فقر شدید
 - هدف شماره ۲: دسترسی همگانی به تعلیمات ابتدایی
 - هدف شماره ۳: ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان
 - هدف شماره ۴: کاهش میزان مرگ و میر اطفال
 - هدف شماره ۵: بهبود صحت مادران
 - هدف شماره ۶: مبارزه با اچ ای وی و ایدز، ملاریا، توبرکلوز و سایر امراض
 - هدف شماره ۷: تأمین محیط زیست پایدار
 - هدف شماره ۸: گسترش همکاری های جهانی برای رسیدن به انکشاف
 - هدف شماره ۹: بهبود امنیت
- هدف دوم

خلاصه

- از هر پنج طفل افغان، یک نفر در سن مکتب قرار دارد که این بلندترین تناسب در سطح جهان است.
- با وجود موفقیت کمپاین بازگشت به مکتب بین سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۵، میزان ازدیاد نفوس پسران در مکاتب نسبت به دختران اندکی سریعتر بوده است. دختران با سرعت موجود شمولیت به مکتب چانس کمتری برای رسیدن به پسران دارند.
- در افغانستان تا کنون ارقام قابل اطمینان در مورد تعداد دقیق ثبت جدیدالشمولان در مکتب در دسترس قرار ندارد. از میزان حضور در مکتب به صفت شاخص نماینده استفاده گردیده است. در سال ۲۰۰۳ فیصدی حضور در مکاتب ۵۴ فیصد یا ۲.۳ میلیون شاگرد بود. افزایش تعداد دقیق جدیدالشمولان در مکاتب بین سال ۱۹۹۷ و ۲۰۰۳ در شهرها ۵۰ فیصد بیشتر از دهات بوده است.
- باوجود ازدیاد سریع میزان ثبت نام و توجه ویژه بدان در سال ۲۰۰۳، باز هم تقریباً ۲ میلیون طفل، دختران دو برابر نظر به پسران، به مکتب نمی رفتند.
- بیشترین تعداد اطفال خارج از مکتب در مناطق جنوب و مرکزی افغانستان زندگی میکردند. اما تغییر مداوم در این بخش با کاهش در تعداد ولایاتی که آنجا تعداد کمی از اطفال مکتب می رفتند رونما گردیده است.
- باوجود پیشرفت های عمده در سالهای اخیر و شرایط برنامه ریزی عام المنفعه موجود، امکان ندارد که افغانستان به هدف (MDGs)، تأمین تعلیمات ابتدایی همگانی برای دختران و پسران تا سال ۲۰۲۰ نائل آید. این ارزیابی ترکیبی یکی از پائین ترین میزان سهمگیری (خصوصاً دختران) در سطح جهان و بلندترین تناسب اطفال سن مکتب به سطح جهانی را مورد غور قرار میدهد. این یک امر مشکل اما ممکن میباشد.

- بطور کل میزان تکمیل دوره ابتدایی ۴۵ فیصد تخمین زده شده است. برای دختران این رقم ۳۰ فیصد و برای پسران ۵۶ فیصد میباشد. این بدین معنی است که از جمله دختران و پسرا نیکه شامل صنف اول میشوند، اضافه از نصف پسران و ثلث دختران صنف پنجم را در وقت معینه تکمیل میکنند.
- میزان سواد بین سنین ۱۵ تا ۲۴ میان افغانها ۳۴ فیصد است که از آنجمله ۵۰ فیصد را مردان و ۱۸ فیصد را زنان تشکیل میدهند. به هر اندازه که یک افغان جوانتر باشد به همان اندازه احتمال دارد خوانده و نوشته بتواند. تفاوت در مناطق مختلف وجود دارد و میزان پایین سواد مخصوصاً بین افغانها در نواری از ولایات شمال شروع و به طرف پایین در جنوب توسعه مینماید.

اهداف و شاخص های (MDGs) تجدید نظر شده افغانستان:

- حصول اطمینان از اینکه تا سال ۲۰۲۰ همه اطفال اعم از دختران و پسران در هر جا به میزان یکسان قادر باشند تا دوره کامل آموزش ابتدایی را تکمیل نمایند.
- نسبت دقیق ثبت نام در تعلیمات ابتدایی
- تناسب شاگرانی که از صنف اول شروع تا صنف پنجم میرسند
- نرخ سواد افراد بین سن ۱۵ تا ۲۴ سال

در یک مدت زمان کوتاه ما توانستیم تا با همکاری جامعه جهانی قانون اساسی افغانستان را بسازیم که متضمن ارزش های دموکراسی، آزادی بیان و حقوق مساوی برای زنان باشد. ملت افغانستان برای اولین بار در انتخابات ریاست جمهوری شرکت ورزیدند و اعضای شورای ملی را انتخاب نمودند. در حدود پنج میلیون مهاجر تا امروز به خانه و کاشانه شان برگشته اند که این بزرگترین رقم بازگشت مردم به سرزمین آبائی شان در طول تاریخ میباشد. هزاران مکتب اعمار و بیشتر از شش میلیون پسر و دختر شامل مکتب گردیده اند، که بلند ترین رقم شمولیت در مکاتب را در تاریخ افغانستان نشان میدهد. صدها کلینیک صحتی ایجاد گردیده و پوشش خدمات اساسی صحتی را از ۱۳۸۱ در صد در شش سال قبل به ۸۵ درصد در حال حاضر افزایش داده است. دسترسی به خدمات تشخیصیه و معالجه یی که در سال ۱۳۸۱ تقریباً هیچ وجود نداشت اینک به بیشتر از ۴۰ درصد افزایش یافته است.

حامد کرزی، رئیس دولت جمهوری اسلامی افغانستان

معارف

ساحات روستایی به حساب می آیند. دسترسی به معارف در میان اطفال کوچی ها، اشخاص دارای معلولیت در یادگیری، اطفال در دوره های پیش از مکتب و اطفال بزرگتر که سال های اول تعلیمات اساسی را نگذرانده اند و اکنون می خواهند شامل سیستم شوند، عموماً پایین می باشد. دسترسی برابر به تعلیمات ابتدایی و ثانوی یک مینای قوی برای برابری در تحصیلات عالی فراهم می آورد (...). بهبود دسترسی برابر به تعلیم و تربیه، بواسطه افزایش میزان ثبت نام در سکتورهای فرعی متعدد به تفکیک جنسیت و نیازهای خاص، زیربنای فیزیکی اضافی و تأسیسات لازم در مکان های مناسب برای همگان به شمول دختران، اجتماعات دارای نیازهای و کوچی ها، رونما می گردد.

نقش سکتور معارف در استراتژی انکشاف ملی افغانستان

دیدگاه استراتژیک استراتژی انکشاف ملی افغانستان برای سکتور معارف این است که تمام افغانها، بدون هر گونه تبعیض بر مبنای جنسیت، قوم، جایگاه اجتماعی- اقتصادی و وابستگی مذهبی، دسترسی مساویانه به تعلیم و تربیه باکیفیت خواهند داشت تا دانش و مهارت خود را ارتقا بخشیده و بدین وسیله توانایی های بالقوه خودشان را افزایش دهند. سکتور معارفی که بتواند نیروهای کار سالم و دارای مهارت ها و دانش مربوط را پرورش دهد، کلید رشد اقتصادی طویل المدت میباشد.

نتایج متوقعه:

نتایج متوقعه در سکتور معارف عبارتند از: افزایش میزان سواد، بهبود کیفیت معارف، ارتقای ظرفیت سیستم معارف برای جذب شاگردان (به خصوص شاگردان انات)، دسترسی برابر به تعلیمات برای همگان، گسترش فرصت ها و بهبود کیفیت تحصیلات عالی، گسترش ظرفیت و بهبود کیفیت تعلیمات تخنیکی و مسلکی و دوره ای ایجاد مهارت، بهبود شرایط برای ورزش، بهبود و گسترش ظرفیت آکادمی علوم، و شامل سازی موضوعات مرتبط به هم.

چارچوب پالیسی: استراتژی سکتوری

استراتژی سکتور معارف مشتمل بر سه هدف عمده می باشد که عبارتند از برابری، کیفیت و تناسب.

برابری

از آنجا که دسترسی همگانی به معارف در قانون اساسی گنجانیده شده است، انکار دسترسی به مکاتب برای هر شخصی از اشخاص یک امر غیرقانونی برشمرده می شود. اگرچه طی پنج سال اخیر پیشرفت قابل ملاحظه در سطح ملی صورت گرفته است، هنوز هم میزان ثبت نام پسران در مکاتب ابتدایی تقریباً دو برابر میزان دختران و در سطح ثانویه سه تا چهار برابر بالاتر از دختران می باشد. در ساحات شهری دختران در حال دسترسی به مساوات جنسیتی می باشند، اما تنها در سطح ابتدایی. از طرف دیگر، در ساحات روستایی دختران کمتر در هر سطحی از مکتب ثبت نام می شوند، اما احتمال ثبت نام پسران در سطوح بالاتر از ابتداییه بیش از ده برابر دختران می باشد. کمبود مکاتب دخترانه و معلمان انات، به خصوص در سطوح بالاتر از ابتداییه، بزرگترین مخاطره برای مشارکت بیشتر و برابری جنسیتی در

کیفیت

کیفیت تعلیم و تربیه در افغانستان بسیار پایین می باشد. این امر ناشی از چندین دلیل می باشد از جمله اینکه معلمان دارای دانش کامل در مورد مضامین تدرسی یا روش های تدریسی موثر نمی باشند. دلایل دیگر عبارتند از عدم وجود مکان های آموزشی کافی و هم چنین فقدان مواد تدریسی و یادگیری با کیفیت (...). معلم محوری و یادگیری حفظی (بر کردن) نورم موجود در صنوف درسی افغانستان می باشد (...). روش های (...). موجود قادر به تأمین سواد اساسی و دانش حساب نبوده و قدرت تفکر انتقادی و مهارت های تحلیلی را در متعلمین پرورش نمی دهند (...). اگرچه بهبود مهارت های آموزشی معلمان یک عامل مفید برای بهبود کیفیت تعلیم و تربیه در افغانستان می باشد. سروی های اخیر نشان می دهد که سطح دانش معلمان نیز به شدت پایین می باشد (...). کیفیت تعلیم و تربیه همچنین از طریق تجدید و بازنگری نصاب و افزایش مشارکت مردمی در مدیریت تأمین تعلیم و تربیه، می تواند بهبود یابد. بهبود کیفیت تعلیم و تربیه از طریق موارد ذیل سنجش می گردد: میزان پیشرفت شاگردان در سیستم و تعداد معلمان که به طور موفقیانه آزمون های لیاقت را تکمیل کرده اند و سیستم هایی که برای نظارت و تربیت منظم معلمان شکل گرفته اند.

تناسب

برای این که معارف بتواند به کاهش فقر و رشد اقتصادی کمک نماید، نیاز است تا مهارت ها و دانشی که از طریق این سیستم کسب می گردد، دارای تناسب باشند (...). بازنگری و تجدید نظر در نصاب تعلیمی به منظور بسط مبنای تعلیمات اسلامی جهت تأمین مسیرهای شغلی چندگانه برای فارغین؛ تدریس و آموزش مهارت های ضروری تکنیکی و مسلکی که منجر به اشتغال زایی می شوند؛ سواد آموزی بزرگسالان که به مهارت های تولیدی مرتبط باشد، نمونه هایی از تلاش دولت در راستای مرتبط سازی و متناسب سازی تعلیم و تربیه با افغانستان امروز می باشند (...).

روش های استراتژیک

اصل که دولت را به تأمین دسترسی برابر و همگانی به تعلیم و تربیه هدایت می کند، عبارت از انکشاف استراتژی است که دامنه آن ملی اما نقطه تمرکز آن محلی باشد. ضروری است تا اقدامات مختلفی انجام گیرد تا بر محدودیت های ناشی از مسائل جغرافیایی در راستای دسترسی و تأمین تعلیم و تربیه غلبه شود و بدین طریق اصل تنوع در افغانستان ترویج یابد. دولت از طریق شفاف سازی مسئولیت ها و انتقال مهارت ها، در راستای تقویت مشارکت ها و همکاری ها تلاش خواهد کرد. مساعدت و مشارکت همکاران به سکتور معارف از طریق بهبود تفاهم و همکاری جمعی بهبود خواهد یافت.



اهداف - ماده دوم:

این قانون دارای اهداف عمده ذیل می باشد:

۱. تأمین حق مساوی تعلیم و تربیه برای اتباع جمهوری اسلامی افغانستان از طریق رشد و توسعه نظام معارف همگانی، متوازن و عادلانه.
۲. تقویة روحیة اسلامی، وطن دوستی، وحدت ملی، حفظ استقلال و دفاع از تمامیت ارضی، حفظ منافع و نوامیس ملی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی افغانستان
۳. تربیة اطفال، نوجوانان و جوانان به حیث افراد متدین و اعضای مفید و سالم جامعه.
۴. رشد و انکشاف استعداد های اخلاقی، عاطفی، ذهنی، پرورش جسمی و روحیه اجتماعی شاگردان.
۵. تقویة روحیة احترام به حقوق بشر، حمایت از حقوق زن و دموکراسی و رفع هر نوع تبعیض در پرتو ارزشهای اسلامی و عدم اعتیاد به مواد مخدر.
۶. تقویة روحیة مسئولیت فردی، اجتماعی و قانون پذیری معلمان، استادان، مدرسان و سایر کارکنان معارف
۷. فراهم آوری زمینه مشارکت اولیای شاگردان و سایر افراد جامعه در نظام مدیریت و جلب همکاری های مادی و معنوی ایشان برای رشد و ترقی معارف.
۸. تعلیم و تربیه اتباع کشور جهت سهم گیری فعال در رشد اقتصادی و اجتماعی و کاهش فقر در کشور.
۹. تأمین تعلیمات متوسطه (اساسی) اجباری و فراهم آوری زمینه تعلیمات ثانوی مطابق به نیازمندی های جامعه.
۱۰. تأمین و رشد تعلیمات قبل از مکتب مطابق به نیازمندی های اطفال کشور.
۱۱. تأمین و رشد تعلیمات تربیه معلم، تعلیمات اسلامی، تعلیمات تخنیکی - مسلکی، حرفوی و هنری در کشور.
۱۲. امحای بیسوادی و فراهم آوری زمینه آموزش سریع برای اطفال و کلان سالان بازمانده از مکتب در کشور.
۱۳. ارتقا و بهبود کیفیت معارف با استفاده از تجارب معاصر مطابق نیازمندی های کشور و ارزش های اسلامی و ملی. رشد و ارتقای سطح علمی و مسلکی معلمان، استادان، مدرسان، مدیران و سایر کارکنان وزارت معارف.
۱۴. انکشاف نصاب واحد تعلیمی، مطابق به اقتضای زمان و معیار های معاصر.
۱۵. تأسیس، توسعه، ارتقا، اعمار، ترمیم و تجهیز مکاتب، مدارس و سایر مؤسسات تعلیمی معارف.

حق مساوی تعلیم و تربیه

ماده سوم:

اتباع جمهوری اسلامی افغانستان بدون هیچ نوع تبعیض دارای حق مساوی تعلیم و تربیه می باشند.

تعلیمات رایگان و اجباری

ماده چهارم:

۱. تعلیمات متوسطه (اساسی) در افغانستان اجباری می باشد
۱. تعلیمات دوره های قبل از مکتب، دوره های تعلیمات متوسطه (اساسی)، ثانوی، تخنیکی - مسلکی، حرفوی، هنری، تعلیمات رسمی اسلامی، تعلیمات عالی، (صنوف سیزدهم و چهاردهم)، تربیه معلم و سواد آموزی و سواد حیاتی در مؤسسات تعلیمی و تربیتی دولتی به صورت رایگان تأمین می گردد.

تأسیس مکاتب، مدارس و مؤسسات تعلیمی

ماده نهم:

۱. وزارت معارف مکاتب، مدارس، مؤسسات و کورس های تعلیمی مورد نیاز برای دوره های مختلف تعلیمات مندرج این قانون، با در نظر داشت نیازمندی های جامعه و در حدود امکانات مالی دولت مطابق به لوايح و معیار های تعلیمی و تربیتی مربوط تأسیس می نماید.
۲. تعلیم و تربیة اطفال کوچی در مکاتب ثابت یا سیار صورت می گیرد. وزارت معارف در حدود امکانات مالی جهت ایجاد سهولت برای اطفال کوچی، لیلیه ها را تأسیس می نماید.

تعلیمات قبل از مکتب

ماده چهاردهم:

تعلیمات قبل از مکتب به منظور آماده ساختن اطفال برای دوره تعلیمات متوسطه (اساسی) مطابق لایحه مربوط تنظیم می گردد.

تعلیم اشخاص دارای نیازمندی های خاص

ماده پانزدهم:

تعلیم اطفال و اشخاص بالغی که دارای نیازمندی های خاص تعلیمی و تربیتی بوده و بنا بر عوامل مختلف از تعلیم و تربیه باز مانده اند، در دوره های مختلف تعلیمات مندرج این قانون مطابق لایحه مربوط تنظیم می گردد.

فصل دوم

تعلیمات متوسطه (اساسی)

دوره تعلیمات متوسطه (اساسی)

ماده هفدهم:

دوره تعلیمات متوسطه (اساسی) شامل صنف اول الی ختم صنف نهم می باشد که طور اجباری و رایگان به صورت متوازن و عادلانه با در نظر داشت تعداد نفوس مسکون و کوچی در محل و در مطابقت با معیار های تعلیمی و تربیتی فراهم و توسعه می یابد.

فصل سوم
تعلیمات عمومی دوره ثانوی
دوره تعلیمات ثانوی
ماده نهم:

تعلیمات عمومی دوره ثانوی شامل صنوف دهم، یازدهم و دوازدهم می باشد که طور رایگان به صورت متوازن و عادلانه با در نظر داشت تعداد نفوس مسکون و کوچی در محل و معیار های تعلیمی و تربیتی برای فارغان صنوف نهم دوره تعلیمات متوسطه (اساسی) فراهم می گردد.

فصل چهارم
تعلیمات اسلامی
دوره تعلیمات اسلامی
ماده بیست و یکم:

۱. دوره تعلیمات رسمی اسلامی شامل صنف دهم الی ختم صنف چهاردهم می باشد که طور رایگان در مدارس تعلیمی دولتی به صورت متوازن و عادلانه با در نظر داشت تعداد نفوس مسکون و کوچی در محل و معیار های تعلیمی و تربیتی برای فارغان صنوف نهم دوره تعلیمات متوسطه (اساسی) فراهم و توسعه می یابد.

۲. تعلیمات دارالحفاظ ها شامل صنف اول الی ختم صنف دوازدهم می باشد که طور رایگان در دارالحفاظ های دولتی فراهم و توسعه می یابد

فصل دهم
تعلیمات سواد آموزی و سواد حیاتی
سواد آموزی و سواد حیاتی
ماده سی و پنجم:

سواد آموزی و سواد حیاتی شامل آموزش خواندن، نوشتن، حساب و آموزش دانش و مهارت های حیاتی، حرفوی و شغلی (پیشه) می گردد که برای اشخاص بالغ محروم از سواد و نوجوانان و جوانان بازمانده از مؤسسات تعلیمی در کشور به صورت متوازن و عادلانه تنظیم می گردد.



مسوده پلان استراتژیک ملی معارف ۲ / ۲۰۱۴ - ۲۰۱۰

دیدگاه وزارت معارف:

- استخدام ۱۰۰,۰۰۰ معلم جدید (۶۰ درصد اناث) برای تعلیمات اساسی و ۱۹,۰۰۰ معلم جدیدی برای تعلیمات ثانویه (۶۰ فیصد اناث)
- استخدام ۲۶,۰۰۰ کارمند اداری جدید برای مکاتب تعلیمات عمومی
- هیچ طفلی به دلایل امنیتی از دسترسی به مکتب (یا دسترسی به تعلیم و تربیه) محروم نخواهد شد.

(...) یکی از نگرانی های عمده وزارت معارف، تأمین دسترسی برابر به تعلیم و تربیه در سرتاسر کشور می باشد. بدین منظور، وزارت معارف در حال انجام یک سروی نقشه برداری از مکاتب می باشد که تا پایان سال ۱۳۸۹ تکمیل خواهد گردید. هدف اصلی از انجام این سروی، عبارت از شناسایی موقعیت مکاتب و ساحاتی است که به مکتب نیاز دارند. هنگام تصمیم گیری در مورد تأسیس مکاتب جدید و بهبود مکاتب موجود، از معلومات حاصله استفاده خواهد شد. در ساحات و قریه جات دور، که از شرایط لازم برای تأسیس مکتب برخوردار نمی باشند، وزارت معارف صنوف مساعدتی را برگزار خواهد نمود تا برای اطفال سن مکتب آموزش فراهم شود. وزارت معارف تا سال ۱۳۹۳، به تعداد ۴,۸۰۰ صنف مساعد را با همکاری اجتماعات محلی و موسسات غیر دولتی تأسیس و حمایت خواهد نمود.

تعلیمات فراگیر یکی از پالیسی های دیگر وزارت معارف در زمینه تأمین تعلیم و تربیه برای تمامی اطفال می باشد. وزارت معارف این پالیسی را تدریجاً تطبیق کرده و تمامی اطفال، به شمول اطفال دارای معلولیت، در یک صنف آموزش می بینند. این پالیسی تجدید نظر در نصاب، برنامه های آموزش معلم و آموزش ناظرین مکتب را الزامی می سازد. پیش از اینکه این پالیسی به طور کامل تطبیق گردد، وزارت معارف ۱۶ مرکز تعیین سویه برای اطفال دارای معلولیت تأسیس خواهد کرد (که در آن اولویت هایی برای اطفال دارای ضایعه بینایی، ضایعه شنایی و ضایعه رشدی در نظر گرفته می شود). بر اساس تفاهمی که با ریاست مستقل امور کوچی ها صورت گرفته است، وزارت معارف همچنین تا سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) به تعداد ۵۰۰ مکتب برای کوچی ها تأسیس خواهد نمود.

تعلیمات در زمینه آماده سازی اطفال و خانواده های آنها برای شمولیت اطفال شان در مکتب، نقش مهمی ایفا می کند. (...)

انکشاف قوای بشری مطابق با اساسات دین مبین اسلام، تعهدات ملی و بین المللی و احترام به حقوق بشر، از طریق تسهیل دسترسی عادلانه به تعلیم و تربیه با کیفیت برای همه اتباع وطن، تا بتوانند در انکشاف پایدار، رشد اقتصادی، ثبات و امنیت کشور فعالانه سهم بگیرند.

برای تحقق این امر، وزارت معارف باید به یک اداره مدرن، هدفمند، موثر و حساسه و دارای بودجه کافی تبدیل شود و فرصتهای آموزشی را در سرتاسر افغانستان و بدون هیچ گونه تبعیض، برای اطفال و بزرگسالان کشور فراهم آورد.

برنامه اول: تعلیمات عمومی و اسلامی

این برنامه مشتمل بر دو برنامه فرعی می باشد: **تعلیمات عمومی و تعلیمات اسلامی**

هدف کلی

همه اطفال سن مکتب، بدون تبعیض و بطور متوازن در سراسر کشور به تعلیم و تربیه باکیفیت دسترسی خواهند داشت تا قابلیت های لازم برای زندگی سالم و موفق فردی، فامیلی، و اجتماعی و ادامه تحصیل در سطح تحصیلات عالی را بدست آورند.

تا سال ۱۳۹۳:

بخش اول: دسترسی به تعلیمات عمومی

مقاصد: تا پایان سال ۱۳۹۳

- تطبیق برنامه های آگاهی رسانی به طور سالانه به منظور افزایش میزان شمولیت، به خصوص در میان دختران
- افزایش میزان شمولیت در تعلیمات اساسی تا ۸,۷۰۰,۰۰۰ متعلم
- افزایش میزان شمولیت تا ۱,۳۰۰,۰۰۰ متعلم در لیسه
- تا سال ۱۳۸۹، سروی نقشه برداری مکتب با همکاری ریاست پلان گذاری و ارزیابی تکمیل خواهد شد و در نتیجه نیاز به مکاتب جدید در مناطق مختلف شناسایی خواهد شد.
- تأسیس ۴,۶۹۰ مکتب جدید
- تأسیس ۴,۸۰۰ صنف جدید با همکاری اجتماعات محلی و موسسات غیر دولتی
- تأسیس ۳,۲۰۰ مرکز آموزش تسریع یافته برای اطفالی که از دوره عادی مکتب عقب مانده اند
- تأسیس ۱۶ مرکز تعیین سویه برای اطفال دارای نیازمندیهای خاص و تأسیس ۵۰۰ مکتب برای اطفال کوچی
- تأسیس یک مدل مکتب برای هر ولایت
- تا سال ۱۳۹۱، آزمون آزمایشی یک سال قبل از مکتب در پنج ولایت انجام خواهد شد.
- تسهیل ثبت مکاتب خصوصی در افغانستان و مکاتب مهاجرین در ایران و پاکستان و تسهیل شمولیت یا تصدیق مهاجرین عودت کننده

بخش سوم: خدمات متعلمین

اهداف: تا سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴)

- تطبیق برنامه های مشاوره و هدایت متعلمین در ۳,۲۰۰ مکتب ثانویه
- توزیع قرطاسیه برای تمام متعلمین ابتدایی
- تأمین غذا برای تمام متعلمین ابتدایی
- تسهیل تأمین خدمات صحتی در ۸۰ فیصد مکاتب
- سازمان دهی ۳۵ کلینیک صحتی سیار که به طور منظم از مکاتب بازدید نمایند
- تأمین تأسیسات لوله برای ۱۰ فیصد از متعلمین مکاتب ثانویه

برنامه دوم: انکشاف نصاب تعلیمی، تربیه معلم و تعلیمات ساینس و تکنالوجی

برنامه فرعی ۱,۲: انکشاف نصاب

هدف کلی:

فراهم نمودن کتب درسی، مواد ممد درسی و مواد آموزشی با کیفیت، مطابق نصاب تعلیمی جدید، مبتنی بر اساسات اسلامی و ارزشهای ملی، با در نظر داشت معیارهای علمی معاصر و نیازمندی های فعلی و آینده جامعه.

استراتژیهای عمومی

نصاب جدید بر اساس اصول اسلامی و معیارهای ملی و بین المللی، به خصوص اصول آموزش فعال، انکشاف و بازنگری شده است. ریاست انکشاف نصاب همچنان نصاب را اصلاح می کند تا آن را با زندگی روزانه متعلمین و اولویت های بازسازی و انکشافی افغانستان متناسب تر سازد. تمرکز نصاب روی این خواهد بود که متعلمین چگونه می توانند از دانش و مهارت های فراگرفته خود استفاده نمایند. موضوعات مرتبط به هم، مانند حقوق بشر، برابری جنسیتی، مواد مخدر (مبارزه با مواد مخدر)، آگاهی از ایدز و اچ ای وی، تنظیم خانواده و حفاظت از محیط زیست، به منظور ارتقای انکشاف پایدار در تمام مضامین، به شمول مضامین سالهای ابتدائیه، گنجانیده خواهند شد. نیازهای امروز و آینده به خصوص نیازهای اجتماعی و اقتصادی، نیز در نصاب جدید گنجانیده خواهند شد. همچنین برای اصلاح و بهبود بیشتر نصاب، مشوره لازم با جامعه مدنی، متعلمین و والدین آنها صورت خواهد گرفت.

بخش اول: انکشاف و تجدید نظر نصاب، کتب درسی و رهنمای معلمان

اهداف- تا سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴)

- بررسی نیازهای جامعه به طور منظم و انجام تحقیقات در مورد نصاب به منظور افزایش خلاقیت و کیفیت نصاب
- تعلیمات اسلامی و تعلیمات عمومی
- ارزیابی منظم نصاب و تطبیق در مکاتب
- تجدید نظر نصاب و برنامه درسی تعلیمات عمومی (ابتدائیه و ثانویه)
- تجدید نظر نصاب و برنامه درسی تعلیمات اسلامی
- تجدید نظر کتب درسی تعلیمات عمومی
- تجدید نظر کتب درسی تعلیمات اسلامی
- تهیه کتب درسی زبان برای لسان های رسمی سوم
- تهیه نصاب و مواد درسی برای دوره یکساله پیش از مکتب تا سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱)
- انکشاف کتب درسی به الفبای نابینایان (خط بریل)
- تهیه قاموس های سمعی-بصری به زبان اشاره
- انکشاف نصاب و مواد آموزشی برای شاگردان دارای نیازمندی های خاص
- تهیه و تجدید نظر کتاب های رهنمای معلم برای مضامین اسلامی و تعلیمات عمومی
- تهیه نسخه افغانی و تعدیل یافته "پذیرش تنوع- ابزار ایجاد محیط های آموزشی فراگیر و دوستانه برای اطفال" در مکاتب
- تهیه و تجدید نظر در مواد کمکی یادگیری (چارت، نقشه، مدل، گراد و مجموعه سوالات موضوعی و کلیدهای پاسخ ها، و غیره)

(...) مطابق با قانون اساسی، در ساحاتی که به لسان های سوم تکلم می گردد، مکاتب به شاگردان فرصت می دهند که به زبان سوم تکلم کنند تا زبان مادری خود را در هر سطح تعلیمی را بگیرند. برنامه فرعی انکشاف نصاب در حال تهیه کتب درسی برای لسان های پامیری، ترکمنی، ازبکی، پشه یی، بلوچی و نورستانی برای صنوف ۱ الی ۱۲ می باشد. این کتب تا سال ۱۳۹۳ تهیه و تکمیل خواهند شد.

نصاب و مواد آموزشی خاص همچنین برای اطفال ۵ ساله پیش از مکتب، از جمله اطفال دارای ضایعه بینایی و شنوایی و اطفال دارای ضایعات رشدی، تهیه خواهد شد.

اعلامیه افغانستان در مورد تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال / ۲۰۱۰

تعریف تعلیمات فراگیر و دوستانه در افغانستان

کمک می کند و در مسیر توسعه اقتصاد افغانستان مفید است. نظام آموزشی باید به انکشاف مسالمت آمیز افغانستان کمک کند و اطفال، خانواده ها و اجتماعات را قادر به پیشرفت و جوانان افغانستان را قادر به رقابت در بازار جهانی سازد. افغانستان باید با استفاده از دانش حاصل از برنامه های تعلیمی موفق، چه در درون و چه بیرون از کشور، شیوه های ایجاد نظام آموزشی موثر، فراگیر و دوستانه تر را جستجو نماید.

باید یک استراتژی مشترک برای نظام آموزشی فراگیر و دوستانه انکشاف و در تمام ولایات، ولسوالی ها و مکاتب افغانستان تطبیق گردد. مکاتب باید از روش های لازم برای شکل دهی، ارزش گذاری و پذیرش توانایی های منحصر بفرد تمامی اطفال استفاده نمایند.

تعلیمات فراگیر باید در دامنه گسترده تر در مکاتب افغانستان و با تکیه بر روش های مناسبی که در مکاتب و برنامه های آزمایشی استفاده شده اند، تطبیق گردد.

کودکستان های فراگیر و دوستانه در سرتاسر افغانستان باید تأسیس گردند و تمرکز خاص آنها باید بالای برنامه های آمادگی برای اطفالی باشد که در معرض محرومیت از آموزش قرار دارند.

تعلیم و تربیه با کیفیت نیازمند معلمان آموزش دیده، دارای انگیزه بالا و مسئولیت پذیری می باشد که بدانند چگونه یادگیری در میان تمام گروه های اطفال را تسهیل نمایند. معلمان باید الگوهای خوبی برای شاگردان خود باشند. از این رو، مهم است که معلمان بر اساس معیارهای عینی شایستگی و لیاقت انتخاب شوند.

کتاب درسی و نصاب تعلیمی باید بازتاب نیازها و وضعیت های اجتماعات، والدین و اطفال باشد تا از این طریق تعلیم و تربیه از تناسب و ربط بیشتر برخوردار گردد و از طرف دیگر میزان تکمیل دوره ابتدائیه و ورود به دوره ثانویه (که بسیار پایین است) افزایش یابد.

معرفی مضامین دارای محتوای محلی در نصاب تعلیمی-تصامیم لازم در این زمینه باید توسط کمیته های تعلیمی قریه (متشکل از والدین، ریش سفیدان و اطفال) اتخاذ گردد- تا سطح تناسب و ربط تعلیم و تربیه افزایش یابد.

هماهنگی میان دست اندرکاران مختلف ملی و بین المللی باید تقویت گردد- از طریق گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر و سایر تریبون ها مانند بورد انکشاف قوای بشری.

هزینه دورماندن اطفال از مکتب، بسیار سنگین تر از هزینه تأمین تعلیمات با کیفیت برای تمام اطفال بدون تبعیض می باشد.

تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال باید در تمام برنامه های "قبل از خدمت" و "حین خدمت" تربیه معلم در افغانستان گنجانیده شود.

در درون نظام معارف، باید به لسان های اقلیت توجه بیشتر صورت گیرد تا آموزش اطفال و جوانان متعلق به اقلیت ها ارتقا یابد و فرهنگ و دانش بومی حفظ گردد.

زبان اشاره باید به عنوان زبان رسمی دارای حقوق برابر با زبان های گفتاری و نوشتاری به رسمیت شناخته شود.

- نظام آموزشی فراگیر و دوستانه برای اطفال، متضمن این امر است که تمام اطفال، بدون در نظر داشت جنسیت، سن، توانایی ها، معلولیت ها/ضایعات، وضعیت صحی، شرایط و همچنین سوابق اجتماعی-اقتصادی، مذهبی، قومی و لسانی، به تعلیم و تربیه با کیفیت دسترسی خواهند داشت.

تعریف تفصیلی

- تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال یک رویکرد حقوق-محور به تعلیم و تربیه می باشد و از این رو، در مطابقت کامل با قانون اساسی، اهداف انکشافی افغانستان برای پانزده سال آینده، کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق طفل، اهداف آموزش برای همه، قانون معارف، پلان استراتژیک ملی معارف و خطوط کاری "ارزیابی حقوق و نیازمندهای تعلیمات فراگیر" در افغانستان می باشد.
- تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال، یک ابزار برای تحقق آموزش برای همه می باشد- که تأکید خاص آن بالای ۱۲ گروه از بین گروه هایی می باشد که بیش از همه در برابر محرومیت از تعلیم و تربیه، چه بیرون و چه در درون نظام معارف، قرار دارند.
- اطفال متأثر از درگیری، جنگ و وقایع اضطراری، اطفال بیجا شده داخلی، پناهندگان و عودت کننده گان اطفال تحت تأثیر مواد مخدر
- اطفال متعلق به اقلیت های قومی، لسانی، اجتماعی و مذهبی
- اطفال سوابق اقتصادی ضعیف (فقیر)
- اطفال متخطی از قانون/اطفال تحت حبس
- اطفالی خارج از مکتب- که در قریه جات دور وبدون مکتب زندگی می کنند
- اطفالی که از بی توجهی رنج می برند، اطفالی که رها شده اند یا مورد سوءاستفاده قرار می گیرند- به شمول ایتم اطفال دارای معلولیت
- اطفالی بالای سن دختران
- اطفال کوچی
- اطفال سر سرک و کارگر

نمایندگان اعزامی به کنفرانس ملی تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال روی موارد ذیل موافقت می کنند:

- وزارت معارف باید، بدون تبعیض، آموزش با کیفیت و یکسان در اختیار تمام اطفال در ساحات روستایی و شهری قرار دهد و همچنین باید دسترسی برابر به آموزش را فراهم نماید.
- با تطبیق تعلیم و تربیه با کیفیت، اطفال باید از موارد ذیل برخوردار گردند: ارزش ها؛ مهارت های اساسی مبتنی بر سواد، مهارت های زندگی؛ مهارت های حل مشکل و همچنین توانایی حل مسالمت آمیز منازعات؛ توانایی ادراک درست مفاهیم ایمان، فرهنگ و سنن؛ محبت نسبت به دیگران؛ مهارت هایی که برای پیشرفت و خوشبختی خودشان، خانواده های شان و اجتماعات شان مفید است؛ و همچنین مهارت هایی که آنها را برای کارایی در بازار کار

- کتاب های نوشته شده به الفبای نابینایان، باید در اختیار تمامی متعلمینی که به این کتب نیاز دارند، قرار گیرد تا برای خواندن و نوشتن از آن استفاده کنند.
- تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال باید مطابق با "خطوط کاری شمولیت" (۲۰۰۹) و همچنین پلان های عملی که در کنفرانس ملی اول تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال (۲۰۱۰) تهیه شده اند، تطبیق گردد.



خطوط کاری تعلیمات فراگیر (خلاصه) / ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۴

۱. برنامه های آگاهی بخشی و سیاست گذاری

- توسعه یک مفهوم در مورد تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال در افغانستان
- سازماندهی یک کنفرانس ملی در مورد تعلیمات فراگیر.
- ظرفیت سازی در وزارت معارف برای سیاست گذاری، پلان گذاری و اجرای برنامه های ابتکاری آموزشی، نظارت و ارزیابی و آگاهی بخشی.
- ترویج تعلیمات فراگیر و دوستانه از طریق تلویزیون، انترنت و جراید
- وضع مقررات و معیارهای مربوط به تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال
- تهیه مواد آگاهی بخش و اطلاع رسانی در مورد تعلیمات فراگیر برای اطفال، والدین، رهبران دینی و اجتماعی، مسئولین آموزشی و صحتی، قانون گذاران، و دیگر افراد مهم ذیدخل.
- ارتقاء آموزش دختران در میان رهبران دینی، رهبران اجتماعی و ریش سفیدان.

۳. نصاب تعلیمی، و سیستم های ارزیابی و امتحان

- انکشاف نصاب تعلیمی فراگیر و دوستانه برای اطفال و همچنین مواد آموزشی برای دوره آمادگی، ابتدایی و ثانوی به شمول مواد سعمی و بصری
- تهیه فرهنگ زبان اشاره تصویری
- معرفی یک مضمون جدید با نام مضمون محلی. در مورد اینکه در این مضمون چه چیزی تدریس شود، دفتر ولایت یا ولسوالی تصمیم گیری خواهد نمود تا اطمینان حاصل شود که تعلیم و تربیه با نیازهای اطفال و اجتماعات محلی مناسب بیشتر دارد. "مضمون محلی" میتواند شامل موضوعاتی مثل زراعت، آشپزی، سنت های غذایی محلی، اقتصاد، و ایجاد صنایع کوچک، محافظت از محیط زیست، فرهنگ محلی، تاریخ محلی، کوهنوردی، شعر، داستان و غیره باشد.
- تهیه سیستم های ارزیابی و امتحان مبتنی بر تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال در مکاتب ابتدایی و ثانوی به منظور کاهش تعداد اطفالی که هر سال از مکتب اخراج شده یا ترک تحصیل می نمایند.

۲. گسترش دسترسی به تعلیم و تربیه

- اجرای آزمایشی مراکز آموزشی پیش از مکتب (برنامه های آمادگی مکتب)
- ایجاد صنف های محلی بیشتر در قریه ها و دهکده ها در سرتاسر افغانستان.
- تقویت مکاتب محلی موجود و حصول اطمینان از اینکه این مکاتب پذیرای همه اطفال بدون در نظر داشت توانایی ها و سوابق آنها می باشند و حصول اطمینان از اینکه قواعد و احکام ذیربط برای برآورده کردن نیازهای اطفال دارای نیازهای آموزشی خاص وضع شده اند.
- ایجاد مکاتب رسمی جدید در اجتماعات و نواحی دور از مکاتب موجود
- گسترش مکاتب محلی به مکاتب رسمی
- تأسیس مکاتب جدید دخترانه در ساحاتی که تعلیمات دختران در مکاتب مختلط ممکن نیست.
- تطبیق روش تدریس در سطوح چندگانه (مطابق با نصاب) برای اطفالی که تحت حبس هستند.
- انکشاف برنامه های دسترسی برای اطفال کارگر
- گسترش دوره های آمادگی قبل از مکتب، مکاتب ابتدایی و مکاتب ثانوی
- ارتقاء یک رویکرد کل نگر برای انکشاف زود هنگام در دوره طفولیت در برنامه های صحتی و آموزشی موجود.

۴. تربیه معلم - دانشگاه تعلیم و تربیه و دیگر دانشگاه هایی که دانشکده تعلیم و تربیه، صحت و طب دارند.

- بازبینی و ارتقای نصاب های تعلیمی
- انکشاف مواد تدریسی و یادگیری جدید و ابتکاری
- ظرفیت سازی در میان اعضای بلند پایه فاکولته ها در دانشگاه تعلیم و تربیه
- شامل سازی دوره های مبتنی بر تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال در تمام برنامه های تربیه معلم
- گسترش برنامه های مربوط به تعلیمات نیاز مندیهای خاص در سطح دانشگاه

۵. تربیه معلم - مراکز تربیه معلم (در سطح ملی و ولایتی) و مراکز تربیه معلم سازمان دهی شده توسط دیگر افراد ذیدخل

- ظرفیت سازی در میان اعضای فاکولته مراکز تربیه معلم در مورد تعلیمات فراگیر
- هماهنگ سازی تمامی برنامه های تربیه معلم مربوط به تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال که توسط دولت و موسسات غیردولتی سازمان دهی شده است
- شامل سازی دوره های مبتنی بر تعلیمات فراگیر و دوستانه برای اطفال در تمام برنامه های تربیه معلم
- گسترش برنامه ها و کورس های مربوط به تعلیمات نیازهای خاص

۶. سیستم حمایتی برای اطفال معلول و افراد دارای نیازمندی های خاص

- تاسیس یک بورد جدید ملی برای تعلیمات فراگیر و نیازمندیهای خاص تحت نظر وزارت معارف در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر به منظور پلان گذاری و سازمان دهی انکشاف سیستم حمایتی برای اطفال دارای معلولیت و سایر نیازمندیهای آموزشی خاص.
- ایجاد یک "مرکز ملی تعیین سویه برای شمولیت و آموزش نیازهای خاص" در کابل تحت نظر وزارت معارف و در همکاری با بورد گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر به منظور حمایت از انکشاف مراکز ولایتی تعیین سویه و واحد های ولسوالی مربوط به شمولیت و آموزش نیازهای خاص.
- ایجاد "مراکز تعیین سویه ولایتی" در ۳۴ ولایت افغانستان تحت نظر وزارت معارف و حکومت های ولایتی در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر به منظور حمایت از واحد های ولسوالی و همچنین معلمان و شاگردان مکاتب.
- ایجاد واحد های حمایتی ولسوالی در تمام ۴۴۵ ولسوالی افغانستان تحت نظر وزارت معارف و همچنین حکومت های ولایتی و ولسوالی- در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر- به منظور حمایت از اطفال دارای معلولیت در مکاتب فراگیر.

۷. خرید و تهیه مواد مساعدتی ارزان قیمت

- تهیه مواد مساعدتی ارزان قیمت یا تولیدات محلی برای اطفال، جوانان و بزرگسالان دارای معلولیت با همکاری و مساعدت فاکولته ها تکنیکی یا انجینیری در دانشگاه های افغانستان و همچنین اجتماعات محلی و سازمان های اشخاص دارای معلولیت.

۸. تولید الفبای نابینایان

- تاسیس انتشارات ملی بریل در کابل منحیث یک کنسرسیوم تحت نظر وزارت معارف و در همکاری با گروه کاری انسجام تعلیمات فراگیر.
- انتشارات ملی بریل در کابل باید کتابهای مکتب و سایر مواد مطالعاتی را تولید نماید. این انتشارات باید تا سال ۲۰۱۴، سالانه ۱۵۰,۰۰۰ کتاب تولید نماید.

۹. زبان اشاره

- تهیه فرهنگ لغت زبان اشاره با ۶۰۰۰ علامت/اشاره.
- انکشاف زبان اشاره به شکل تصویری
- تهیه نصاب تعلیمی برای معلمان و مترجمین زبان اشاره در سطوح دیپلوم، لسانس و ماستری. این برنامه باید با همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ انجام شود. این پالیسی باید تلویزیون های ملی و محلی را ملزم بسازد تا به طور همزمان برخی از برنامه های تلویزیونی، مانند اخبار و برنامه های آموزشی، را به زبان اشاره ترجمه نمایند.



ماده پنجم: برابری و عدم تبعیض

ح. ترغیب دسترسی افراد دارای معلولیت به نظام و تکنالوجی جدید معلومات و ارتباطات از جمله اینترنت؛
خ. ترغیب طراحی، توسعه، تولید و توزیع نظامها و تکنالوجی های معلومات و ارتباطات قابل دسترس در مراحل اولیه به گونه‌ای که این نظامها و تکنالوجی ها با کمترین هزینه قابل دسترس گردد.

۱. دولتهای عضو تصدیق می‌نمایند که تمامی افراد در برابر قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیضی از حمایت برابر و منافع برابر قانونی برخوردار می‌باشند ..
۲. دولتهای عضو تمامی تبعیضها بر مبنای معلولیت را ممنوع نموده و برخورداری افراد دارای معلولیت را از برابری و حمایت حقوقی مؤثر نسبت به تبعیض در تمامی زمینه‌ها تضمین می‌نمایند.
۳. دولتهای عضو به منظور ارتقاء برابری و رفع تبعیض، تمامی اقدامات مناسب را جهت تضمین تأمین همسان سازی متعارف اتخاذ خواهند نمود.

ماده نوزدهم: زندگی مستقل و حضور در جامعه

دولتهای عضو این کنوانسیون حقوق برابر را جهت تمامی افراد دارای معلولیت در مورد زندگی در جامعه با شرایط برابر نسبت به سایرین به رسمیت خواهند شناخت و تدابیر مناسب و مؤثر را جهت تسهیل در بهره‌مندی کامل افراد دارای معلولیت از این حق و حضور و مشارکت کامل آنها در جامعه از جمله تضمین موارد زیر اتخاذ خواهند کرد:

- ا. افراد دارای معلولیت دارای این فرصت می‌باشند که مکان اقامت خود و محل و افرادی که می‌خواهند با آنها زندگی نمایند را بر مبنای برابر با سایرین برگزینند و مجبور به زندگی در شرایط زیستی ویژه ای نیستند؛
- ب. افراد دارای معلولیت دارای دسترسی به خدمات حمایتی خانگی، رهائشی، و سایر خدمات حمایتی اجتماعی از جمله مساعدتهای شخصی ضروری برای حمایت از زندگی و حضور در جامعه و پرهیز از انزوا یا جدایی از اجتماع می‌باشند؛
- ت. خدمات و تسهیلات اجتماعی برای عموم، برای افراد دارای معلولیت بر مبنای برابر مهیا و پاسخگویی نیازهای آنها می‌باشد.

ماده هفتم: اطفال دارای معلولیت

۱. دولتهای عضو تمامی تدابیر لازم جهت تضمین این که اطفال دارای معلولیت از تمامی حقوق بشر و آزادیهای بنیادین بر مبنای برابر با سایر اطفال بهره‌مند می‌باشند را اتخاذ خواهند نمود.
۲. در تمامی اقدامات مربوط به اطفال دارای معلولیت، عالی‌ترین منافع طفل در اولویت نخست خواهد بود. (...)

ماده نهم: دسترسی

۱۳. دول عضو برای توانمندسازی و غنماندی افراد دارای معلولیت جهت مستقل زندگی نمودن و مشارکت کامل در تمامی جنبه‌های زندگی، تدابیر مناسبی (...) را اتخاذ خواهند نمود. این تدابیر (...) در تأمین موارد ذیل انجام خواهد شد:
 - ا. ساختمانها، جاده‌ها، ترانسپورت و سایر تأسیسات بیرونی و درونی از جمله مکاتب، خانه‌ها، تأسیسات طبی و محیطهای کار؛
 - ب. معلومات، ارتباطات و سایر خدمات از جمله خدمات الکترونیکی و خدمات ایمرجنسی.
۱۴. دولتهای عضو همچنین در موارد زیر تدابیر مناسبی را اتخاذ خواهند نمود:
 - ا. توسعه، اعلام و نظارت بر اجرای حداقل معیارها و خط مشی‌های مربوط به دسترسی به تسهیلات و خدمات آزاد یا ارائه شده برای عموم؛
 - ب. تضمین این که مؤسسات خصوصی ارائه‌کننده تسهیلات و خدمات آزاد برای عموم، تمامی جنبه‌های دسترسی افراد دارای معلولیت را مد نظر قرار می‌دهند؛
 - ت. تأمین آموزش برای عاملین ذیخ در مورد موضوع دسترسی افراد دارای معلولیت؛
 - ث. تهیه علائمی به خط بریل و سایر اشکال به سهولت قابل فهم و خواندن در ساختمانها و سایر تأسیسات آزاد برای عموم؛
 - ج. تأمین انواع کمکها و میانجی‌گریهای حضوری از جمله رهنما، قرانت گر و مترجمین حرفه‌ای زبانهای اشاره جهت تسهیل در دسترسی به ساختمانها و سایر تأسیسات آزاد برای عموم؛ (...)

ماده بیست و چهارم: تعلیم و تربیه

۱. دولت‌های عضو، حق آموزش را برای افراد دارای معلولیت به رسمیت می‌شناسند. دولتهای عضو از نظر تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به صورت آموزش فراگیر در موارد زیر تضمین خواهند نمود:
 - ا. توسعه کامل تواناییهای انسانی و حس منزلت و خودارزشی و تحکیم احترام به حقوق بشر، آزادیهای بنیادین و تنوع انسانی؛
 - ب. توسعه شخصیت، استعداد و خلاقیت توأم با تواناییهای جسمی و ذهنی افراد دارای معلولیت تا نهایت توانمندیهای آنها؛
 - ت. توانمند ساختن افراد دارای معلولیت جهت مشارکت مؤثر آنان در جامعه آزاد.
۲. در تحقق این حق، دولتهای عضو تضمین خواهند نمود که:
 - ا. افراد دارای معلولیت از نظام معارف همگانی بر مبنای معلولیت مستثنی نمی‌گردند، و این که اطفال دارای معلولیت نیز از آموزش اجباری و رایگان ابتدایی یا متوسطه بر مبنای معلولیت مستثنی نمی‌گردند؛
 - ب. افراد دارای معلولیت می‌توانند به تعلیمات ابتدایی و متوسطه رایگان با کیفیت و فراگیر بر مبنای برابر با سایرین در جوامعی که در آن زندگی می‌نمایند، دسترسی داشته باشند؛ (...)

ماده بیست و پنجم: صحت

(...) دولت های عضو تمامی تدابیر مناسب را برای تضمین دسترسی افراد دارای معلولیت به خدمات صحتی که دارای حساسیتهای جنسیتی می باشند، از جمله توانبخشی مرتبط با صحت را اتخاذ خواهند نمود. به ویژه دولتهای عضو موارد زیر را انجام خواهند داد:

ا. برای افراد دارای معلولیت همان حد، کیفیت و معیارهای رایگان یا قابل پرداخت در مورد مراقبتها و برنامه های صحتی را همان گونه که برای سایرین ارائه می گردد از جمله در زمینه صحت جنسی و باروری و برنامه های صحت عامه مبتنی بر جمعیت، فراهم خواهند نمود؛

ب. خدمات صحتی مورد نیاز برای افراد دارای معلولیت به ویژه بواسطه معلولیت آنها از جمله شناسایی و مداخله زودهنگام در صورت اقتضاء و خدمات طراحی گردیده برای به حداقل رساندن و جلوگیری از ناتوانیهای بیشتر از جمله در میان اطفال و افراد سالخورده را فراهم خواهند نمود؛

ت. این گونه خدمات صحتی را در صورت امکان در نزدیکترین محل به جوامع آنها از جمله در مناطق روستایی فراهم خواهند نمود؛ (...)

ث. تبعیض علیه افراد دارای معلولیت در تأمین بیمه درمانی و بیمه عمر (... ممنوع خواهند نمود

ت. تدابیر حمایتی فردی مؤثر در محیط هایی ارائه می گردد که حداکثر توسعه اجتماعی و اکادمیک متناسب با اهداف حضور کامل را سبب گردد.

۳. دولت های عضو، افراد دارای معلولیت را قادر خواهند ساخت که مهارتهای توسعه اجتماعی و زندگی جهت تسهیل در مشارکت کامل و برابر آنها در امر آموزش را به عنوان اعضای جامعه فرا گیرند. بدین منظور دولتهای عضو تدابیر مناسبی را از جمله در موارد زیر اتخاذ خواهند نمود:

ا. تسهیل آموزش خط بریل و خطهای جایگزین، شیوه های تقویتی و جایگزین، روشها و قالبهای ارتباطاتی و مهارتهای ترددی و جهت یابی، و تسهیل حمایت و راهنمایی همسان؛

ب. تسهیل در یادگیری زبان اشاره و ارتقاء هویت زبانی جامعه ناشنویان؛ (...)



قانون حقوق اشخاص دارای معلولیت / ۲۰۱۰

ماده هجدهم:

وزارت صحت عامه و سایر سازمان های صحتی خصوصی به طور مکتوب وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین را از ولادت یک طفل دارای معلولیت مطلع می سازند.

ماده نوزدهم:

۱. وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی زمینه تعلیمات جامع و تخصصی برای افراد دارای معلولیت را فراهم می کنند.
۲. دولت ۵ فیصد از بورسیه هایی را که توسط دولت و سازمان های تمویل کننده تأمین می شوند، در اختیار اشخاص دارای معلولیت قرار می دهد.
۳. موسسات آموزشی خصوصی زمینه تعلیم با ۲۵ فیصد تخفیف را برای افراد دارای معلولیت فراهم می کنند.

ماده بیستم:

وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین، در همکاری با سایر ادارات ذیربط، زمینه آموزش تخنیک و مسلکی را برای افراد دارای معلولیت و بر اساس استعداد و توانایی آنها فراهم می نماید.

ماده بیست و یکم:

۱. وزارت صحت عامه جهت تضمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به خدمات صحتی و درمانی و خدمات بازتوانی جسمی، ذهنی و روانی، تدابیر لازم را اتخاذ خواهد نمود. فرستادن اشخاص دارای معلولیت برای درمان به خارج از کشور، در صورتی که درمان آنها در داخل کشور ممکن نباشد، پس از تأیید کمیسیون صحت وزارت صحت عامه صورت می گیرد.

ماده بیست و سوم:

۱. وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین، در همکاری با وزارت صحت عامه، وزارت انکشاف شهری، شاروالی ها و ریاست المپیک، مراکز بازتوانی برای اشخاص دارای معلولیت را، در حد توانایی مالی آنها، تأسیس و تجهیز می نماید.

ماده بیست و پنجم:

وزارت خانه ها و سایر ادارات دولتی ذیربط به هنگام طراحی ساختمان ها، اماکن تفریحی، میدان های بازی و جاده های عامه، امکانات ترانسپورتی و تکنالوجی، تأسیساتی برای اشخاص دارای معلولیت در نظر می گیرند.

ماده سی و هفتم:

وزارت اطلاعات و فرهنگ و سایر وزارت خانه و موسسات دولتی و غیردولتی ذیربط، اقدامات مقتضی را جهت افزایش آگاهی در مورد معلولیت و حقوق اشخاص دارای معلولیت اتخاذ می کنند.

قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت با موافقت دو سوم اعضای ولسی جرگه و در مطابقت با قطعنامه شماره ۱۵۶ ولسی جرگه مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۸ تصویب و به تعقیب ماده ۹۴ قانون اساسی افغانستان، توشیح شده در نظر گرفته شده است.

ماده اول:

این قانون در مطابقت با احکام ماده ۵۳ قانون اساسی افغانستان، به منظور فراهم آوری حمایت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تعلیمی، آموزشی، ورزشی و بازتوانی برای معلولین (مردان، زنان و اطفال) با هدف تأمین مشارکت فعال آنها در جامعه و تأمین حقوق آنها وضع گردیده است.

ماده دوم:

- مطابق به این قانون، مفهوم اصطلاحات ذیل به قرار ذیل می باشد:
۱. معلول: شخصی است که بهزیستی و توانایی خود را به دلیل وارد آمدن آسیب جسمی، ذهنی یا روانی به میزانی از دست داده باشد که بر توانایی وی در شرکت در حوزه های اجتماعی و اقتصادی تأثیر بگذارد.
 ۲. معلول کامل: شخصی که معلولیت او توسط کمیسیون صحت و تصدیق معلولیت، تا بالای ۶۰ فیصد تأیید شده باشد.
 ۳. معلول جزئی دائمی: شخصی که معلولیت او توسط کمیسیون صحت و تصدیق معلولیت تا بین ۳۰ الی ۶۰ فیصد تأیید شده باشد.

ماده سوم:

وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین در همکاری با سایر سازمان های ذیربط، برای اشخاص معلول حمایت اجتماعی و بازتوانی فراهم می کند تا زمینه مشارکت فعال اجتماعی فعال آنها مطابق به قانون تأمین گردد.

ماده پانزدهم:

افراد دارای معلولیت دارای حق مشارکت در حوزه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تعلیمی و تفریحی، بدون لحاظ تبعیض علیه آنها، می باشند.

ماده شانزدهم:

۱. طفل دارای معلولیت از همان حقی که سایر اطفال در زمینه بهره مندی از حقوق و سایر آزادی های اساسی دارند، برخوردار می باشد.
۲. وزارتخانه ها و ادارات دولتی ذیربط مکان های خاص و دسترسی پذیر مجهز به امکانات لازم را تأمین خواهند تا دسترسی اطفال دارای معلولیت به تأسیسات ورزشی و تفریحی تضمین گردد.

ماده هفدهم:

اشخاص دارای معلولیت های مادرزادی مستحق بهره مندی از امتیازات مقرر شده توسط تمامی مواد این قانون، به استثنای مواد ۴ و ۸، می باشند.



ماده هفتم:

(...)

۱. بهبود شرایط زندگی و کاری، وضعیت صحتی و سطح تحصیلات افراد مورد نظر با مشارکت و همکاری آنها، باید یک اولویت در پلان های مربوط به انکشاف اقتصادی ساحاتی باشد که افراد در آن زندگی می کنند. پروژه های خاص برای انکشاف ساحات مورد نظر باید با هدف ارتقای این پیشرفت ها طراحی گردد.

ماده بیست و پنجم:

۱. دولت های عضو اطمینان حاصل می کنند که خدمات صحتی کافی در اختیار اشخاص مورد نظر قرار می گیرد یا منابع لازم را جهت طراحی و عرضه این خدمات تحت مسئولیت و کنترل خودشان، در اختیار آنها قرار می دهند تا آنها از عالی معیار صحت جسمی و ذهنی برخوردار گردند.
۲. خدمات صحتی، تا جای ممکن، باید مردمی و محلی باشد. این خدمات باید با همکاری مردم مربوطه پلان گذاری و اداره شود و شرایط اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی آنها و همچنین مراقبت و قایب سنتی، شیوه های درمانی و شیوه های دوا درمانی آنها را مد نظر قرار دهند.
۳. سیستم حفظ الصحت باید برای آموزش و استخدام مددکاران صحتی محلی ارجعیت قائل شود و عمدتاً روی حفظ الصحت تمرکز کند و در عین حال روابطش را در سطوح دیگر خدمات صحتی حفظ نماید.
۴. چنین خدمات صحتی ای باید در هماهنگی با سایر تدابیر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشور تأمین شود.

ماده بیست و ششم:

باید تدابیر لازم صورت گیرد تا تضمین شود که افراد مورد نظر از فرصت تحصیلات در تمام سطوح، دست کم به میزان برابر با سایرین، برخوردار خواهند شد.

ماده بیست و هفتم:

۱. برنامه ها و خدمات تعلیمی برای اشخاص مورد نظر باید در هماهنگی با آنها توسعه و تطبیق شود تا نیازهای خاص آنها مورد رسیدگی قرار بگیرد. این برنامه ها و خدمات باید با توجه به گذشته، دانش و تکنالوجی، نظام ارزشی، و آمل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها طراحی گردد.
۲. مرجع ذیصلاح، با هدف انتقال مسئولیت تطبیق برنامه های تعلیمی به این افراد در صورت لزوم، از آموزش این افراد و مشارکت آنها در تنظیم و تطبیق برنامه های تعلیمی اطمینان حاصل می کند.
۳. بعلاوه، دولت های عضو این کنوانسیون حق این افراد مبنی بر ایجاد موسسات و تأسیسات آموزشی مخصوص خودشان را به رسمیت می شناسند به شرط اینکه این موسسات حداقل معیارهایی را که توسط مرجع ذیصلاح و با مشورت خود این افراد وضع شده اند، برآورده نمایند. منابع لازم برای تحقق این هدف تأمین خواهد شد.

ماده بیست و هشتم:

۱. اطفال این افراد، در صورت امکان، برای خواندن و نوشتن به زبان بومی خودشان یا زبانی که عمدتاً توسط گروه آنها استفاده می شود، آموزش می بینند. در صورتی که انجام چنین کاری ممکن نباشد، مراجع ذیصلاح با این افراد مشورت خواهند نمود تا به منظور دسترسی به این هدف اقدامات مقتضی را انجام دهند.
۲. اقدامات کافی جهت تضمین تسلط این افراد به زبان ملی یا یکی از زبان های رسمی کشور انجام می شود.
۳. اقدامات لازم برای حفظ، ارتقا و ترویج لسان های محلی این افراد انجام می شود.

ماده بیست و نهم:

تشریک دانش عمومی و مهارت هایی که اطفال این افراد را قادر می سازد تا مشارکت کامل و برابر با سایر افراد در اجتماع خودشان و کشورشان داشته باشند، باید یکی از اهداف در آموزش این افراد باشد.

ماده سی ام:

۱. دولت های عضو این کنوانسیون اقدامات متناسب با سنت ها و فرهنگ این افراد را اتخاذ می نمایند تا آنها را از حقوق و وظایف شان، به خصوص در زمینه کار، فرصت های اقتصادی، مسائل تعلیمی و صحتی، رفاه اجتماعی و آندسته از حقوق شان که در این کنوانسیون مطرح گردیده است، آگاه سازند.
۲. در صورت لزوم، این کار از طریق ترجمه مکتوب یا با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به لسان های این افراد انجام خواهد شد.

ماده سی و یکم:

اقدامات تعلیمی در تمامی بخش های کشور و به خصوص در میان کسانی که با این افراد ارتباط مستقیم دارند، با هدف امحای تعصبات در مورد این افراد، انجام خواهد شد. برای تحقق این هدف، تلاش هایی صورت می گیرد تا تضمین گردد که کتب درسی تاریخ و سایر مواد آموزشی، تصویری عادلانه، دقیق و آموزنده از جوامع و فرهنگ این افراد ارائه می کنند.

ماده دوم:

افراد بومی آزاد و برابر با تمامی دیگر افراد می باشند و حق دارند عاری از هر گونه تبعیض، در زمینه تطبیق حقوق شان، به خصوص بر مبنای اصالت یا هویت بومی شان، باشند.

ماده ششم:

هر فرد بومی از حق داشتن تابعیت برخوردار است.

ماده چهاردهم:

۱. افراد بومی حق دارند تا سیستم ها و موسسات آموزشی را که به لسان های خودشان آموزش دهند، به شیوه متناسب با روش های فرهنگی آنها در تدریس و یادگیری تأسیس نمایند.
۲. افراد بومی، به خصوص اطفال، حق دسترسی بدون تبعیض به تمامی سطوح و اشکال تعلیمی دولت را دارا می باشند.
۳. برای اینکه افراد بومی، به خصوص اطفال به شمول اطفالی که خارج از اجتماعات خودشان زندگی می کنند، به آموزش به فرهنگ خودشان و به لسان خودشان دسترسی داشته باشند، دولت های عضو با همکاری افراد بومی، اقدامات موثری را انجام خواهند داد.

ماده بیست و دوم:

۱. در تطبیق این اعلامیه باید به حقوق و نیازمندیهای خاص سالمندان، زنان، جوانان، اطفال و معلولین بومی توجه خاص صورت گیرد.
۲. دول عضو این کنوانسیون، با همکاری افراد بومی، اقدامات لازم را انجام می دهند تا حمایت کامل از زنان و اطفال بومی را تضمین نمایند.



ماده سوم:

- از نظر این کنوانسیون، اصطلاح «بدترین اشکال کار اطفال» شامل موارد زیر است:
- ا. کلیه اشکال بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، از قبیل فروش و قاچاق اطفال، بندگی به علت بدهی و رعیتی و کار با زور یا اجباری، از جمله استخدام به زور یا اجباری اطفال برای استفاده در درگیری مسلحانه؛
 - ب. استفاده، فراهم کردن یا عرضه طفل برای روسپی‌گری، تولید زشت‌نگاری (پورنوگرافی) یا اجراهای زشت‌نگارانه؛
 - ت. استفاده، فراهم کردن یا عرضه طفل برای فعالیت‌های غیرقانونی، به ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده‌اند؛
 - ث. کاری که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می‌شود، احتمال دارد برای صحت، ایمنی یا اخلاقیات اطفال ضرر داشته باشد.

ماده ششم:

۱. هر عضو، برنامه‌های اقدام برای محو بدترین اشکال کار طفل را به عنوان یک اولویت طراحی و اجرا خواهد نمود.
۲. این برنامه‌های اقدام با مشاوره با نهادهای دولتی و سازمان‌های کارفرمایی و کارگری مربوط و در صورت اقتضاء، باتوجه به نظرات سایر گروه‌های مربوط طراحی و اجرا خواهد شد.

ماده هفتم:

۱. هر عضو کلیه اقدامات لازم را برای تضمین اجراء و اعمال مؤثر مقرراتی که کنوانسیون را قابل اجرا می‌سازند از جمله پیش‌بینی، اعمال مجازات‌های کیفری یا، در صورت اقتضاء، مجازات‌های دیگر اتخاذ خواهد نمود.
۲. هر عضو، با در نظر گرفتن اهمیت تعلیم و تربیه در محو کار طفل، اقدامات مؤثر و زمان‌بندی شده‌ای را برای موارد زیر اتخاذ خواهد نمود:
 - ا. جلوگیری از بکار گرفته شدن اطفال در بدترین اشکال کار طفل،
 - ب. فراهم آوردن کمک مستقیم لازم و مناسب برای دوساختن اطفال از بدترین اشکال کار طفل و برای بازپروری و سازگاری اجتماعی آنها،
 - ت. تضمین دسترسی به تعلیم و تربیه اساسی رایگان، و، در صورت امکان و اقتضاء، آموزش مسلکی، برای کلیه اطفالی که از بدترین اشکال کار طفل دور می‌شوند،
 - ث. تشخیص و دستیابی به اطفال در معرض خطر خاص، و
 - ج. توجه داشتن به وضعیت خاص دختران.
۳. هر عضو مقام ذیصلاح مسؤول اجرای مقرراتی که این کنوانسیون را قابل اجرا می‌سازند، تعیین خواهد کرد.



توصیه های کنوانسیون ممنوعیت بدترین اشکال کار اطفال / ۱۹۹۹

۲. برنامه‌های اقدام (programs of action)، که در ماده (۶) کنوانسیون ذکر شده اند، با مشاوره نهادهای دولتی و سازمانهای کارفرمایی و کارگری مربوط و باتوجه به نظرات اطفالی که به طور مستقیم تحت تأثیر بدترین اشکال کار طفل قرار گرفته اند، خانواده‌های آنها، و در صورت اقتضاء سایر گروه‌های مربوط متعهد به اهداف کنوانسیون و این توصیه نامه تعیین و اجراء خواهند شد. این برنامه‌ها باید از جمله معطوف به موارد زیر باشند:
- ا. تشخیص و محکوم کردن بدترین اشکال کار طفل،
ب. دور ساختن یا جلوگیری از اشتغال اطفال در بدترین اشکال کار طفل، محافظت از آنها در مقابل اعمال تلافی جویانه و پیش بینی بازپروری و سازگاری اجتماعی آنها از طریق اقداماتی که نیازهای آموزشی، جسمانی و روانشناختی آنها را در نظر بگیرد؛
ت. توجه خاص به:
- i. اطفال کم سن و سال‌تر
ii. طفل دختر،
iii. مشکل موقعیت‌های کار پنهان که در آنها دختران در معرض خطر خاص قرار دارند؛
iv. سایر گروه‌های اطفال در معرض آسیب پذیری‌ها یا دارای نیازهای خاص؛
ج. تشخیص، دستیابی و کار با جوامعی که در آنها اطفال در معرض خطر خاص قرار دارند؛
ح. آگاه‌سازی، حساس کردن و بسیج افکار عمومی و گروه‌های مربوط، از جمله اطفال و خانواده‌های آنها.
۳. در تعیین انواع کارهای ذکر شده در بند (د) ماده (۳) کنوانسیون و در تشخیص جاهایی که این کارها وجود دارند، از جمله باید به موارد زیر توجه شود
- ا. کاری که اطفال را در معرض سوء استفاده جسمانی، روانی یا جنسی قرار می‌دهد،
ب. کار در زیرزمین، زیرآب، در ارتفاعات خطرناک یا در فضاهای بسته،
ت. کار با ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهای خطرناک، یا کاری که متضمن جابجایی یا حمل بارهای سنگین با دست است،
ث. کار در محیط ناسالم که ممکن است، به طور مثال، اطفال را در معرض مواد، عوامل یا فرآیندهای خطرناک، یا در معرض دما، صدا، یا ارتعاشهای مضر برای صحت آنها قرار دهد،
ج. کار تحت شرایط بسیار مشکل از قبیل کار برای ساعات طولانی یا در خلال شب یا کار در جایی که طفل به نحو غیرمتعارفی محدود به کارگاه کارفرما است.
۱۲. اعضاء باید بدترین اشکال کار طفل مذکور در زیر را جرایم کیفی اعلام نمایند:
- ا. کلیه اشکال بردگی یا روش‌های مشابه بردگی از قبیل فروش و قاچاق اطفال، بندگی به علت بدهی و رعیتی و کار با زور و اجباری از جمله استخدام به زور یا اجباری اطفال برای استفاده در درگیری مسلحانه، استفاده، فراهم آوردن یا عرضه طفل برای روسپی‌گری، تولید زشت نگاری یا اجراهای زشت‌نگارانه، و
ب. استفاده، فراهم آوردن یا عرضه طفل برای فعالیت‌های غیرقانونی، به ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده‌اند، یا برای فعالیت‌هایی که مستلزم حمل یا استفاده غیرقانونی سلاح‌های گرم یا سایر سلاح‌ها است.

ماده پنجم

دول عضو کلیه اقدامات مناسب در زمینه‌های زیر را به عمل می‌آورد:

۱. تعدیل الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتاری مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات و کلیه روش‌های سنتی و غیره که بر تفکر پست‌نگری یا برترنگری هر یک از دو جنس و یا تداوم نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان استوار باشد؛

۲. حصول اطمینان از اینکه آموزش خانواده شامل درک صحیح از وضعیت مادری به عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زنان و مردان در پرورش و تربیت کودکان خود باشد. با این استنباط که منافع کودکان در تمام موارد در اولویت قرار گیرد.

ماده نهم

۱. دول عضو در مورد کسب، تغییر یا حفظ تابعیت، حقوقی مساوی با مردان به زنان اعطا خواهند کرد. دولت‌ها به ویژه تضمین می‌کنند که ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج خود به خود باعث تغییر تابعیت زن، بی‌وطن شدن یا تحمیل تابعیت شوهر به وی نگردد.

۲. دول عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندان نشان حقوق مساوی اعطا خواهند کرد.

ماده دهم

دول عضو به منظور تضمین حقوق مساوی زنان با مردان در زمینه تعلیم و تربیه هر گونه اقدامی برای رفع تبعیض از زنان به عمل خواهند آورد. به ویژه بر اساس مساوات بین زنان و مردان موارد زیر را تضمین خواهند کرد:

۱. شرایط یکسان در زمینه آموزش‌های تخنیکی و مسلکی، و برای دسترسی به آموزش و دریافت شهادت نامه در انواع مختلف مؤسسات آموزشی در مناطق شهری و روستایی، این تساوی باید در آموزش پیش از مکتب، تعلیمات عمومی، تخنیکی و تعلیمات عالی مسلکی و نیز دوره‌های مسلکی مختلف تضمین شود؛

۲. دسترسی به برنامه درسی یکسان، امتحانات یکسان، معلمین دارای مهارت‌ها و صلاحیت‌های هم‌تراز و محل‌ها و امکانات آموزشی با کیفیت برابر؛

۳. از بین بردن هر گونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و در اشکال مختلف از طریق تشویق به آموزش مختلط و سایر انواع روش‌های آموزشی که نیل به این هدف را ممکن می‌سازد و به ویژه برنامه‌های آموزشی مکاتب و تطبیق دادن روش‌های آموزشی؛

۴. ایجاد فرصت‌های یکسان جهت بهرمندی از بورس‌ها و سایر مزایای تحصیلی؛

۵. امکانات مشابه جهت دستیابی به برنامه‌های مربوط به ادامه تحصیلات، از جمله برنامه‌های عملی سوادآموزی بزرگسالان به ویژه برنامه‌هایی که با حذف کاهش هر چه سریع‌تر شکاف آموزشی موجود بین زنان و مردان تدوین یافته‌اند؛

۶. کاهش درصد متعلمین دختر که ترک تحصیل می‌کنند و تنظیم برنامه‌هایی برای دختران و زنانی که تحصیل زودرس داشته‌اند؛

۷. امکانات یکسان برای شرکت فعال زنان در ورزش و تربیت بدنی؛

۸. دسترسی به اطلاعات آموزشی مشخص که صحت و تندرستی خانواده را تضمین می‌نمایند، از جمله اطلاعات و رهنمایی در مورد تنظیم خانواده

ماده دوازدهم

۱. دول عضو برای رفع تبعیض از زنان در زمینه حفظ الصحة آنان کلیه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا دسترسی به خدمات صحتی از جمله خدماتی که به تنظیم خانواده مربوط می‌شود بر اساس رعایت مساوات بین مردان و زنان تضمین شود.

۲. دول عضو صرف نظر از مفاد بند ۱ این ماده ارائه خدمات مناسب در ارتباط با بارداری، بستری برای زایمان و دوران پس از زایمان را تضمین خواهند کرد و در موارد لازم خدمات رایگان و نیز تغذیه کافی در دوران بارداری و دوران شیردهی در اختیار آنان قرار خواهند داد.

ماده شانزدهم

۱. دول عضو به منظور رفع تبعیض از زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد و به ویژه بر اساس تساوی مردان و زنان موارد ذیل را تضمین خواهند کرد:

۱. حق یکسان برای ازدواج؛

۲. حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه دو طرف ازدواج؛

۳. حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام جدایی؛

۴. حقوق و مسئولیت یکسان به عنوان والدین، صرف نظر از وضع روابط زناشویی، در مسائلی که به فرزندان آنان مربوط می‌شود؛ در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار خواهد بود؛

۵. حقوق یکسان در مورد تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به اطلاعات، آموزش و ابزار لازم که قدرت بهرمندی از این حقوق را به ایشان می‌دهد؛

۶. حقوق و مسئولیت‌های یکسان در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و به فرزند گرفتن اطفال و یا موارد مشابه با این مفاهیم در حقوق ملی، در کلیه موارد منافع اطفال از اولویت برخوردار خواهد بود؛

۷. حقوق فردی یکسان به عنوان شوهر و زن من جمله حق انتخاب نام خانوادگی، شغل و حرفه؛

۸. حقوق یکسان برای زوجین نسبت به مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهرمندی و انتقال ملک اعم از این که رایگان باشد و یا هزینه‌ای در برداشته باشد.

۹. نامزدی و ازدواج طفل هیچ اثر قانونی ندارد و کلیه اقدامات ضروری من جمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازواج در دفاتر رسمی می‌بایست به عمل آید.

اعلامیه بیجینگ در چهارمین کنفرانس زنان / ۱۹۹۵

و دختران از جمیع حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و حذف موانع چندگانه‌ای که در راه توانمندسازی و پیشرفت آنان به دلیل عواملی چون نژاد، سن، زبان، قومیت، فرهنگ، دین یا معلولیت یا بومی بودن وجود دارد، بیافزائیم؛
۳۴. توانایی و ظرفیت‌های دختران و زنان همه‌سنین را توسعه بخشیم، مشارکت کامل و برابر آنان را در ساختن جهانی بهتر برای همگان تضمین کنیم و بر نقش آنان در فرآیند توسعه بیافزائیم.

از طریق تأمین آموزش اساسی، آموزش مادام‌العمر، سواد آموزی، و آموزش و حفظه‌الصحه اولیه برای دختران و زنان ارتقاء بخشیم؛
۳۰. دسترسی برابر زنان و مردان به تعلیم و تربیه و حفظ‌الصحه و رفتار برابر با آنان را در این موارد تضمین کنیم و آموزش و همچنین صحت جنسی و باروری زنان را بهبود بخشیم؛
۳۲. بر تلاشهایی که جهت تضمین برخورداری برابر عموم زنان



برچسب اچ ای وی و ایدز منجر به تبعیض و محرومیت اطفال (و بزرگسالان) مبتلا یا متأثر از این بیماری می شود. چنانچه طفل (یا فرد بالغ) یکی از اعضای خانواده اش مبتلا به اچ ای وی باشد، غالباً بر ضد آن طفل هم تبعیض شده و از مکتب محروم و حتی از خانه و اجتماع خود گریزان می شوند. این برچسب (و فقدان معلومات معتبر) منجر به شکل گیری ترس، و اعتماد به نفس و حرمت نفس پایین در این افراد می شود و این مسئله خود منجر به شکل گیری موانعی برای یادگیری، رشد و مشارکت می گردد. از این رو، معلمان باید قادر باشند تا واقعیت های اصلی در مورد اچ ای وی و ایدز را ادراک و تشریح نمایند. آنها باید بر این مسئله تأکید کنند که اچ ای وی از طریق موارد ذیل منتقل نمی شود:

- آموزش در کنار همدیگر
- بازی کردن با همدیگر
- استفاده از گیلاس مشترک، خوردن از قاب مشترک، استفاده از وسایل غذاخوری (قاشق، پنجه و...) مشترک
- دست دادن یا بغل کشی

این ویروس تنها از چهار طریق انتقال می یابد

- مصرف مشترک سوزن پیچ کاری یا سایر وسایل تزریقی آلوده به خون ویروسی
- مقاربت جنسی (مگر اینکه از وسایل حفاظتی مناسب استفاده شود)
- انتقال خون (از منبع مبتلا به ویروس)، و؛
- انتقال ویروس از مادر به طفل مگر اینکه از شیوه های درمانی ضد ریترو ویروسی مطابق به توصیه های سازمان جهانی صحت استفاده شود.
- در رحم یا در هنگام ولادت و تغذیه پستانی

اچ ای وی (ویروس نقص ایمنی انسان):

ایدز (سندروم نقص ایمنی اکتسابی):

انسان: بدین معنی که از یک انسان به انسان دیگر منتقل می شود.
نقص ایمنی: یعنی اچ ای وی سیستم ایمنی بدن را خراب می کند تا بدن نتواند در برابر بیماری ها از خود حفاظت کند.
ویروس: یعنی اچ ای وی یک موجود مایکروسکوپی و بسیار کوچک است که سبب بروز امراض در بدن مبتلایان می گردد.

این ویروس سیستم دفاعی بدن را ضعیف می سازد. شخص مصاب به اچ ای وی ممکن است برای سالها احساس تندرستی بکند یا اینگونه به نظر برسد. همچنین شخص مبتلا می تواند تحصیلات، کار و سایر فعالیت های روزمره خویش را ادامه دهد. اچ ای وی تنها در حجره های دفاعی انسان تکثیر می شود و از این رو سرایت این بیماری تنها از طریق تماس با مایعات بدن انسان مبتلا کسب می گردد. اچ ای وی ممکن است برای سال ها در بدن زندگی کند و همچنین می تواند قبل از رونما شدن علائم مشهود به دیگران انتقال یابد. اچ ای وی همان ویروسی است که سبب ایدز می گردد.

افراد ایدز "نمی گیرند" بلکه مبتلا به "اچ ای وی" می شوند و با گذشت زمان اچ ای وی منجر به رشد ایدز می گردد. اگر آسیب به سیستم دفاعی توسط اچ ای وی به درجه شدید رسیده باشد، آنگاه آن شخص به عنوان شخص مبتلا به ایدز قلمداد خواهد شد. یکی از شیوه های سنجش درجه آسیب به سیستم دفاعی عبارت از شمارش تعداد حجره های CD4 می باشد. تعداد این حجره ها در افراد سالم، بین ۵۰۰ تا ۱,۵۰۰ حجره در یک هزارم لیتر خون می باشد. حجره های CD4 بخش مهمی از سیستم دفاعی بحساب می آیند. چنانچه فرد دارای کمتر از ۳۰۰ یا ۲۰۰ حجره CD4 در یک هزارم لیتر خون باشد، آنگاه وی مبتلا به ایدز خواهد بود و باید درمان توسط دواهای ضد رتروویروسی را شروع نماید. این دواها از طریق افزایش تعداد حجره های CD4 تا میزان نرمال آن، به احیای سیستم دفاعی کمک می نمایند. در صورتی که شخص مبتلا به این دواها دسترسی نداشته باشد یا از آن به صورت درست مصرف نکند، می میرد چون سیستم دفاعی بدن او به آهستگی تخریب می گردد. از طریق درمان ضد رتروویروسی دائم و مناسب و داشتن چرخه زندگی سالم، اشخاص مبتلا به ایدز می توانند دارای طول عمر نرمال باشند.

مصرف درست دواهای ضد رتروویروسی سیستم دفاعی بدن مبتلایان را تقویت می کند. از این رو با مصرف این دواها مبتلایان می توانند از زندگی بهتری بهره مند شوند و از طرف دیگر طول عمر آنها به میزان قابل ملاحظه افزایش خواهد یافت. لازم به ذکر است که اچ ای وی تا حدی قابل درمان است اما نمی توان کاملاً اچ ای وی (ایدز) را از بین برد.

مصرف درست دواهای ضد رتروویروسی سیستم دفاعی بدن مبتلایان را تقویت می کند. از این رو با مصرف این دواها مبتلایان می توانند از زندگی بهتری بهره مند شوند و از طرف دیگر طول عمر آنها به میزان قابل ملاحظه افزایش خواهد یافت. لازم به ذکر است که اچ ای وی تا حدی قابل درمان است اما نمی توان کاملاً اچ ای وی (ایدز) را از بین برد.

بخش هایی از استراتژی یونسکو برای واکنش به اچ ای وی و ایدز

یونسکو/۲۰۰۷، صفحات ۱۰ الی ۱۱

یونسکو، منحیث یک اداره متخصص در زمینه آموزش، از آموزش مادام العمری که مهارت ها، شایستگی ها، دانش، رفتارها و نگرش های ضروری را توسعه و حفظ نماید، حمایت می کند. این نوع آموزش شامل آموزش در محیط های آموزشی رسمی (...); از طریق کارهای آموزشی غیر رسمی (...); و از طریق آموزش غیررسمی توسط خانواده و همسایگان، کار و بازی، بازار کار، رسانه های جمعی و سایر منابع موجود در محیطی متعلم در آن قرار دارد، می باشد.

اولویت دهی یونسکو به تعلیم و تربیه مبتنی بر این اصل عینی و پذیرفته شده است که تعلیم و تربیه به خصوص آموزش روش های پیشگیری به شکل گیری دانش و مهارت های لازم برای پیشگیری از اچ ای وی کمک نموده و افراد، خانواده ها، اجتماعات محلی، موسسات و ملت ها را در برابر تأثیرات ایدز مصون نگه می دارد. تعلیم و تربیه همچنین ما را یاری می کند تا بر شرایطی که زمینه شیوع ایدز را فراهم می کنند، از جمله فقر، عدم صحت، نابرابری جنسیتی، خشونت و سوءاستفاده به خصوص با دختران و زنان، غلبه کنیم. نقش تعلیم و تربیه از این هم فراتر می رود. تعلیم و تربیه می تواند شرایط لازم برای فهم، احترام و مدارا را فراهم می آورد که همگی منجر به کاهش تبعیض علیه اجتماعات آسیب پذیر و منزوی و مردمی که با اچ ای وی زندگی می کنند، می شود.

ایدز یکی از عوامل مهمی است که بر نظام های تعلیم و تربیه فشار وارد می کند، به خصوص در کشورهای در حال گذار و کشورهای کمتر توسعه یافته، و همچنین بر توانایی متعلمین در دسترسی و تکمیل تعلیم و تربیه تأثیر گذار است. اگرچه طی سالهای گذشته پیشرفت هایی در زمینه دستیابی به آموزش برای همه صورت گرفته است، اما حدود ۷ میلیون طفل هنوز هم در مکتب ابتدایی شامل نشده اند، که ۵۵ فیصد از این تعداد را دختران تشکیل می دهند. روی این نکته توافق صورت گرفته است که تلاش ها در راستای دستیابی به هدف آموزش برای همه مبنی بر تعلیم و تربیه ابتدایی جهان شمول (هدف دوم) باید به صورت قوی با مداخلات حمایت کننده از برابری جنسیتی در تعلیم و تربیه (هدف پنجم); رسیدگی به نیازهای آموزشی جوانان و بزرگسالان از طریق آموزش درست و برنامه های آموزش مهارت های حیاتی (هدف سوم); و کاهش بی سواد، به خصوص در میان زنان (هدف چهارم) ارتباط داشته باشند.

همچنین همکاران ذیربط این مسئله را پذیرفته اند که آموزش برای همه بدون تمرکز گسترده روی اچ ای وی و ایدز قابل تحقق نمی باشند. در نتیجه، گروه کاری آموزش برای همه، در جولای ۲۰۰۶ طی جلسه ای در مورد استراتژی های گسترش و ارتقای توجه به اچ ای وی و ایدز در چارچوب آموزش برای همه بحث نمود. وزراء، مقامات بلند پایه ادارات چندجانبه و دوجانبه، و رهبران سازمان های جامعه مدنی، در گروه عالی آموزش برای همه در شهره قاهر مصر و در تاریخ نوامبر ۲۰۰۶، مجدداً نقش مرکزی تعلیم و تربیه در توانمندسازی افراد، اجتماعات و ملت ها برای واکنش موثر به اچ ای وی و ایدز، و توانمند سازی متعلمین برای حفاظت از خودشان و سایرین در برابر اچ ای وی تأیید نمودند. (...)

بورد اجرایی یونسکو، EDUCAID و ابتکار جهانی آموزش و اچ ای وی UNAIDS که تحت هدایت یونسکو است را منحیث یکی از سه ابتکار اولویت مند و اصلی در پروژه آموزش برای همه شامل ساخته است. این کار نتیجه اذعان بر اهمیت مدیریت سکتور تعلیمات فراگیر به عنوان بخشی از واکنش ملی در برابر اچ ای وی و ایدز انجام شده است. برای این که ابتکارات هسته ای حداکثر هماهنگی و تأثیر را داشته باشند، EDUCAID با آنها مرتبط می باشد.

یونسکو و همکارانش، از طریق EDUCAIDS، از کشورها در زمینه تطبیق برنامه های آموزشی فراگیر و گسترده در زمینه اچ ای وی و ایدز حمایت می کنند. این برنامه ها برای اینکه از حمایت یونسکو برخوردار شوند باید در برگیرنده موارد ذیل باشند: محتوای نصاب مواد آموزشی؛ آموزش و حمایت از آموزگاران؛ سیستم ها و مدیریت پالیسی؛ و تضمین کیفیت و کاربرد کامل روش ها و نقاط شروع از طریق تعلیمات رسمی و غیررسمی. اهداف مربوطه یونسکو از طریق همکاری گسترده تر میان بانیان مشترک UNAIDS و همکاران کلیدی آن، به شمول مراجع ملی، وزارتخانه ها (...)، ادارات دو جانبه و گروه های جامعه مدنی در سطح کشوری، ارتقا می یابند.

تحقیقات اخیر که از طریق "سروی آمادگی جهانی" از ظرفیت سکتور ملی معارف و به منظور واکنش به امراض همه گیر در بیشتر از ۷۰ کشور انجام شده است، نشان می دهد که پیشرفت تر غیب کننده شکل گرفته است، اما هنوز هم نیاز به پیشرفت بیشتر می باشد. برای مثال، این تحقیقات نشان داده است که حدوداً سه چهارم وزارتخانه های معارف شرکت کننده، تشکیلات مدیریتی اچ ای وی و ایدز را به وجود آورده اند و تنها یک سو آنها پالیسی سکتوری اچ ای وی و ایدز را اتخاذ نموده اند. علاوه بر این، واکنش های سکتور ملی معارف همچنان بر پیشگیری از اچ ای وی تأکید دارند و به درمان، مراقبت و حمایت، مسائل در محل های کار، و مدیریت تأثیر اچ ای وی و ایدز توجه نسبتاً کمتری دارند.

به منظور به حداکثر رسانیدن موثریت تلاش های آموزشی مربوط به اچ ای وی و ایدز به رویکردهای کلی نگر ضرورت است و همچنین باید پیوستاری از پیشگیری تا درمان، مراقبت و حمایت وجود داشته باشد. (...)

ورکشاپ مسلمانان در مورد اچ ای وی/ایدز / ۲۰۰۴

شبکه اقدام مسلمانان آسیا، بنیاد منابع آسیا و شبکه مسلمانان تایلند

ورکشاپ مسلمانان قبل از کنفرانس بین المللی در زمینه اچ ای وی و ایدز

بسم الله الرحمن الرحيم

ما، شرکت کنندگان در ورکشاپ قبل از کنفرانس بین المللی در زمینه اچ ای وی و ایدز، که توسط شبکه اقدام مسلمانان آسیا، بنیاد منابع آسیا و شبکه مسلمانان تایلند در تاریخ ۹ جولای ۲۰۰۴ در هتل چالینا واقع در باناکاک، تایلند و با حضور نمایندگان کشور های ذیل ترتیب داده شده است: تایلند، هندوستان، افغانستان، ایران، استرالیا، فلسطین، ناروی، بنگلادش، ایندونزیا، فلیپین، مالزی، کامبوج، نپال، بریتانیا، افریقای جنوبی، لائو، مصر، هنگ کنگ، سریلانکا و پاکستان، گرد هم آمده ایم و اعلامیه ذیل را ترتیب داده ایم:

۱. اذعان می داریم که اچ ای وی/ایدز تنها یک مرض یا یک بیماری عالمگیر جهانی نیست.

۲. خواستار یک رویکرد اسلامی و مبتنی بر اصول خیرخواهی، شفقت، عدالت و خرد که از صفات عدل، محسن، رحمان و حکیم الله متعال بر می آید، می باشیم.

۳. اذعان می داریم که جوانان و زنان گروه هایی هستند که بیش از همه در برابر امراض همه گیر آسیب پذیر هستند.

۴. اذعان می داریم که بسیاری از برنامه ها و تلاش های موثری که در دنیای اسلام انجام شده است، نیاز به گسترش و هماهنگی از طریق تشریک منابع و تخصص دارند.

۵. می خواهیم تا مداخلات ما تأثیر محور و نتیجه محور باشد.

۶. این ورکشاپ خواهان تخصیص زکات برای برنامه های درمانی و مراقبتی می باشد.

۷. همچنین اذعان می داریم که افرادی که با اچ ای وی/ایدز زندگی می کنند، نیازمند محبت و حمایت غیرمشرط بوده و نباید به آنها انگ (برچسب زده شود) یا با آنها تبعیض صورت گیرد.

۸. اذعان می داریم که پرهیزکاری و ایمان از مهمترین و اساسی ترین اقدامات پیشگیرانه می باشند. بعلاوه، همچنین اذعان می داریم که مصرف کاندوم یک وسیله وقایوی موثر برای زوج هایی است که یکی از آنها مبتلا به ایدز باشد.

۹. روی این نکته موافقت می کنیم که مهم نیست که فرد چگونه مبتلا شده است، بلکه مهم این است که فرد چگونه تحت تأثیر این بیماری قرار گرفته است.

۱۰. خواستار همکاری گسترده تر با رهبران ملی و مذهبی مسلمان در زمینه پیشگیری، مراقبت، حمایت و مدافعه برای اچ ای وی و ایدز می باشیم. اذعان می داریم که رهبران مذهبی نیاز به آگاهی از پویایی های اچ ای وی و ایدز دارند.

۱۱. می خواهیم تا یک محیط توانمندساز در مساجد، مدارس و دیگر اماکن مذهبی برای مردمی که با اچ ای وی/ایدز زندگی می کنند، ایجاد شود تا آنها از حمایت، مراقبت و رهنمایی های لازم بهره مند گردند.

۱۲. اذعان می داریم که نیاز است تا یک شبکه جهانی رهبران مذهبی شکل گیرد که دارای سطوح متعدد، از امامان گرفته تا مفتحان، باشد و شامل رهبران محلی، پالیسی سازان، دانشگاهیان و افرادی باشد که با اچ ای وی و ایدز زندگی می کنند تا منابع خود را تشریک و برنامه های وقایوی موثر را تطبیق نمایند.

۱۳. بر اهمیت تداوم همکاری بین الادیانی برای دستیابی به هدف مشترک کاهش سرایت ایدز و ایجاد محیط توانمندساز مثبت که برای همگان قابل دسترسی باشد، اذعان می داریم.

۱۴. با آیات ذیل از قرآن کریم خاتمه می دهیم:

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ
وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ
وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ
وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ
وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّ

(قرآن کریم: سوره ۲۶: آیات ۷۸ الی ۸۲)

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ □ وَلَا يَزِيدُ
الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا
(قرآن کریم: سوره ۱۷، آیه ۸۲)

و حدیث ذیل:

خداوند مریضی و درمان آن را آفرید، اگر بیماری به طور صحیح تشخیص داده شود، آنگاه به خواست خداوند درمان خواهد شد.





United Nations
Educational, Scientific and
Cultural Organization



Published in collaboration with the member organisations of the Inclusive Education Coordination Working Group (IECWG)

Afghan Association of the Blind (AAB)

Afghanistan Demain

Afghan National Association of the Blind (ANAB)

Afghan National Association of the Deaf (ANAD)

Afghan Parent Association of Children with Intellectual Impairments

Afghanistan Child Protection Organisation (ACPO)

Associazione Pro Bambini di Kabul (PBK)

Blind Roshandelaan Association of Aghanistan (BRAA)

BRAC

Enabling Education Network (EENET) Asia

Family Welfare Foundation (FWF)

Handicap International (HI)

Herat Association of the Blind (HAB)

IDP Norway

International Assistance Mission (IAM)

International Committee of the Red Cross

Crescent Society (ICRC)

International Rescue Committee (IRC)

Japan International Cooperation Agency (JICA)

Kabul Education University

Mine Action Coordination Centre of Afghanistan (MACCA)

Ministry of Education (MOE)

National Association of the Blind (NAB)

Nejat Centre

Norwegian Afghanistan Committee (NAC)

Rahyab Organization

Save the Children

SCAO

SERVE Afghanistan

Swedish Committee for Afghanistan (SCA)

UNESCO

UNICEF

United Nations Mine Action Service (UNMAS)

United Nations Office for Project Services (UNOPS)

War Child Holland (WCH)